

## ارزیابی مطلوبیت ساختار و بافت شهر قزوین از دیدگاه ساکنین منطقه ۳ شهر قزوین در انطباق با مولفه ها و شاخص های زمینه گرایی (کالبدی)

نفسه جمالی<sup>۱</sup>، سید محمدضا خطیبی<sup>۲</sup>، منوچهر طبیبیان<sup>۳</sup>

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۶/۲۹

تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۰۵/۲۶

### چکیده:

زمینه گرایی کالبدی در شهرسازی رویکردی برای هماهنگی طرح های شهری با ویژگی های فیزیکی، تاریخی، و اجتماعی یک مکان است که در پاسخ به چالش های شهرسازی مدرن، مانند بی هویتی و ناهماهنگی فضایی، مورد توجه قرار گرفته است. با این حال، این مفهوم در ایران اغلب در سطح نظری باقی مانده و کاربرد عملی آن کمتر بررسی شده است. این پژوهش با هدف ارزیابی مطلوبیت ساختار و بافت شهر قزوین از دیدگاه ساکنان منطقه ۳، با تمرکز بر شاخص های زمینه گرایی کالبدی، انجام شد. روش تحقیق توصیفی-تحلیلی و ابزار گردآوری داده ها پرسشنامه بود. جامعه آماری شامل ۱۱۸۵۸۲ نفر ساکن منطقه ۳ قزوین (بر اساس سرشماری ۱۳۹۵) و حجم نمونه ۱۹۶ نفر با استفاده از فرمول کوکران (با خطای ۰,۰۷) تعیین شد. داده ها با آزمون t تک نمونه ای و آزمون فریدمن در نرم افزار SPSS.27 تحلیل شدند. نتایج پژوهش در بخش نظری که با پرسشنامه کارشناسان خبره تکمیل شد، نشان داد که ۶ مولفه اصلی به ترتیب بازارهای سنتی و مراکز تجاری، فضاهای شهری عمده، عناصر طبیعی، دسترسی و حمل و نقل، کاربری های شهری و ویژگی های محلات مسکونی از جمله مهمترین عناصر در مطالعات زمینه گرایانه بشمار می روند. شاخص های هر یک از این عناصر مورد سنجش از نظر شهروندان واقع شده است. نتایج تحلیلی نشان می دهد میان مولفه های زمینه گرایی کالبدی و مطلوبیت در ساختار و بافت شهر قزوین روابط معنا داری وجود دارد. از آن جمله می توان گفت میان شاخص های اصلی مطلوبیت فضای شهری زمینه گرا (۵ شاخص) در شهر قزوین بیشترین اهمیت مربوط به شاخص های "هویت جمعی" (میانگین امتیاز ۴,۲ از ۵)، "انعطاف پذیری" (۴) و "دسترسی پذیری" (۳,۸) است.

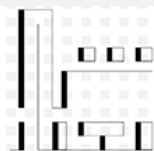
**کلمات کلیدی:** زمینه گرایی (کالبدی)، مورفولوژی شهری، ساختار شهر، رضایتمندی ساکنین، قزوین

مقاله مستخرج از رساله دکتری نویسنده اول تحت عنوان «تدوین الگوی کالبدی بهینه بافت های منفصل شهری با تأکید بر زمینه گرایی (نمونه موردی ناحیه شهری مهرگان و شهر قزوین)» به راهنمایی جناب آقای دکتر محمدرضا خطیبی و مشاوره جناب آقای دکتر منوچهر طبیبیان در دانشگاه آزاد اسلامی واحد قزوین است.

<sup>۱</sup> دانشجوی دکتری شهرسازی، واحد قزوین، دانشگاه آزاد اسلامی، قزوین، ایران

<sup>۲</sup> دکتری تخصصی شهرسازی، گروه شهرسازی، واحد قزوین، دانشگاه آزاد اسلامی، قزوین، ایران (نویسنده مسئول)

<sup>۳</sup> دکتری تخصصی شهرسازی، گروه شهرسازی، واحد قزوین، دانشگاه آزاد اسلامی، قزوین، ایران



## ۱. مقدمه

از موضوعات اساسی در راستای نیل به توسعه شهری پایدار، شناخت الگوی کالبدی شهر و تلاش برای دستیابی به فرم شهری مطلوب است. در دوران انقلاب صنعتی و پس از جنگ جهانی دوم، عمده ترین الگوی رشد شهری، الگوی شهر ماشینی بود که تا حد زیادی توسط طرفداران "برنامه ریزی شهرسازی متری" مورد توجه قرار گرفت. مهمترین اثر شهر دوران مدرن ازدحام، آلودگی و مصرف بیش از حد فضا و انرژی؛ و پیامدهای دیگری چون نابودی اراضی کشاورزی و مشکلات زیست محیطی و خدمات رسانی را به همراه داشت. در این دوران مفهوم نو بودن در مقابل زمینه تاریخی قرار گرفته و سبک بین الملل سعی در از بین بردن سنتهای گذشته داشت. مترو و شمردن ارزش های زمینه شهری در سبک بین الملل سبب شکل گیری سکونتگاههای بی هویت، نامنسجم و بی روح در کشورهای مختلف شد و ساخت اینگونه سکونتگاهها هم اکنون نیز در کشور ما ادامه دارد در پاسخ به مسائل ناشی از رویکرد مدرنیستی به شهرها و پیروی از سبک بین الملل در معماری؛ رویکرد زمینه گرایی شکل گرفت. بحث زمینه یا زمینه گرایی از مباحثی است که امروزه در جهان مورد توجه است. عدم ارتباط بین طرح های اجرا شده با زمینه های محیطی به ویژه در ایران به بروز مسائلی همچون اغتشاش و ناهماهنگی، بحران هویت و عدم مطلوبیت و نارضایتی از سکونت در مجتمع های مسکونی انجامیده است. از این رو یکی از راه حل ها، اتخاذ رویکرد طراحی زمینه گراست.

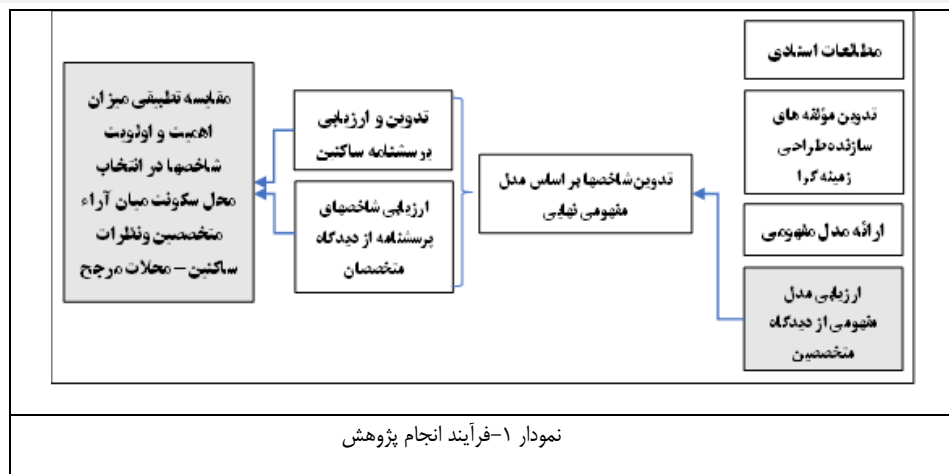
طراحی زمینه گرا بدون توجه به مخاطبان استفاده کننده از فضا و شناخت ترجیحات محیطی آنها، دیدگاه همه جانبه به زمینه را منتج نشده و چالش عدم پذیرش از سوی استفاده کنندگان از فضا را پیش روی طراح قرار می دهد. اینکه ۱- چه مولفه ها و شاخصهایی برای شناسایی بافتهای مطلوب شهری زمینه می بایست مبنای مطالعه قرار گیرد؟ ۲- اینکه مطلوبیت های موجود در بافت مسکونی منطقه ۳ شهر قزوین و مطلوبیت های ساختار شهر قزوین از دیدگاه شهروندان منطقه ۳ چگونه است؟ پرسش های اصلی این پژوهش را شامل می شود. این پژوهش با هدف دستیابی به مولفه ها، معیارها و شاخصهای ارزیابی زمینه، به سنجش مطلوبیت شهر قزوین بعنوان زمینه ای مناسب برای شکل دهی به سایر شهرهای جدید از دیدگاه شهروندان می پردازد.

با وجود اهمیت زمینه گرایی، مطالعات محدودی در ایران به ارزیابی عملی این مفهوم در شهرهای متوسط مانند قزوین پرداخته اند. قزوین با تاریخ غنی و بافت های متنوع (تاریخی و جدید)، بستری مناسب برای بررسی زمینه گرایی کالبدی است. منطقه ۳ قزوین بعنوان بخشی از بافت جدید شهر شناخته شده است و انتخاب ساکنین این منطقه بعنوان جامعه نمونه از این جهت صورت پذیرفته است که این ساکنین با وجود اینکه در بافت جدید سکونت دارند آیا به ارزشهای بافت تاریخی و عناصر طبیعی شهر واقف هستند و از استفاده از این فضاها رضایتمندی دارند یا اینکه به واسطه سکونت در بافت جدید دیگر بافت تاریخی را بافتی مناسب نمی دانند.

## ۲. روش شناسی پژوهش:

این پژوهش دارای رویکردی توصیفی-تحلیلی است. بخش نظری پژوهش به مطالعات اسنادی جهت تدوین چارچوب تحقیق اختصاص یافته است. در مرحله بعدی به منظور تدقیق مولفه های اصلی سازنده مدل مفهومی حاصل از مطالعات اسنادی، از پرسشنامه خبرگان استفاده شده است. برای این منظور، پرسشنامه ای به صورت آنلاین تهیه شده و لینک آن از طریق ایمیل و یا شماره تماس برای اساتید دانشگاهها، مهندسان حرفه شهرسازی و متخصصین دستگاههای اجرایی ارسال شد. با توجه به پاسخهای خبرگان جمع بندی آراء برای مولفه های سازنده مدل مفهومی و شاخص های پژوهش صورت پذیرفت. به منظور سنجش میزان مطلوبیت عناصر کالبدی سازنده ساختار و بافت شهری با استفاده از شاخصهای تحقیق، پرسشنامه ای تدوین و اطلاعات حاصل از پرسشنامه های ساکنین استخراج شده و کلیه اطلاعات با استفاده از نرم افزار آماری SPSS.27 در بخش آمار استنباطی مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته اند.

جامعه آماری این پژوهش ساکنین منطقه سه شهر قزوین (بافت جدید شهر) می باشد که مطابق با نقشه بلوک بندی آماری سرشماری جمعیت سال ۱۳۹۹ (آخرین سرشماری) جمعیتی برابر با ۱۱۸۵۸۲ نفر را شامل می شود. با استفاده از فرمول کوکران و مقدار خطای ۰,۰۷، مقدار نمونه برای جامعه فوق برابر با ۱۹۶ نفر می باشد.



### ۳. پیشینه پژوهش

با توجه به خاستگاه های گوناگون بازگشت به زمینه گرایی از سالهای ۱۹۶۰ تا کنون دگرگونی در نگرش، ابعاد، اصول و روشها صورت پذیرفته است و جنبش ها، رویکردها و پارادایم های گوناگون در حوزه های مختلف بر آن تأثیر گذاشته است. (قلعه نویی، ۱۴۰۱: ۵) یکی از جنبشهای غیر قابل تفکیک از زمینه گرایی، جنبش پست مدرن است.

در ادبیات پست مدرن در معماری و شهرسازی، ابعاد و جنبه های گوناگون زمینه و زمینه گرایی همچون تاریخ گرایی، معناگرایی و بوم گرایی جایگاه ویژه ای دارد. «مرگ و حیات شهرهای بزرگ امریکا» اثر جین جیکوب، «تأملات در معماری» کریستین نوربرگ شولتز (۱۹۶۵)، «یادداشتهایی بر ترکیب فرم» کریستوفر الکساندر (۱۹۶۴)، «پیچیدگی و تضاد» رابرت ونتوری (۱۹۶۵)، «معماری شهر» آلدوروسی (۱۹۶۶)، جهانی نو در معماری مدرن امریکا: (پی نوشتی در مرز مدرنیسم) رابرت استرن (۱۹۶۹)، «زبان معماری پسا مدرن» چارلز جنکز (۱۹۷۷)، «شهر چهل تکه» کالین رو و فرد کوتر (۱۹۷۸) «مدرنیته و سنت کلاسیک» الن کولکوهن (۱۹۹۱) از نخستین و مهم ترین آثاری هستند که در دسته کارهای زمینه گرا قرار می گیرند. (قلعه نویی، ۱۴۰۱: ۶) در ادامه نظریات اندیشمندان خارجی و داخلی در دوره های مختلف در باب زمینه گرایی آمده است:

**الکساندر** بر این باور است که برای خرد کردن مسئله باید به ساختاری دست یافت که با دسته بندی متغیرها به صورت لایه لایه، ما را تا شناسایی خردترین متغیر یک مسئله طراحی که هدف آن رسیدن به «سازگاری میان فرم و زمینه» است، یاری دهد. او سازگاری و هماهنگی با زمینه را بعنوان راه حل مسئله طراحی مطرح می نماید. (Alexander 1964)

**شوماخر** موضوع میان زمینه را مطرح می نماید که آشتی دهنده دو عنصر متضاد یعنی بافت سنتی و بافت جدید شهر است. (Schumacher 1971)

**راپاپورت** در اثر «انسانشناسی مسکن با تمرکز بر مسکن بومی و با بررسی نمونه هایی در گوشه و کنار دنیا به این نتیجه رسیده

است که شکل مسکن در اقلیمهای مشابه میتواند ناشی از فرهنگ، باورها و آیینهای جوامع گوناگون، بسطیار متفاوت باشد. (Rapoport, 1972)

**کوهن** زمینه گرایی را به مثابه فلسفه طراحی چند وجهی برای پروژه های معماری و شهری معرفی می نماید. Cohen (1974)

**کریر و رو** بر ارزشهای زمینه در فضای شهری با بررسی نمونه هایی پرشماری از بافت تاریخی تاکید می نمایند. Krier and Rowe (1979)

**کالین رو و فرد کوتر** در کتاب کلاژ شهر، شهر را به عنوان مکانی معرفی می نمایند که در طول زمان و توسط آرمان های فرهنگی و سیاسی شکل یافته است. آنها از معماران و شهرسازان می خواهند تا در این نحوه اندیشیدن تجدید نظر کنند و از طراحی نواحی وسیع پرهیزند و در عوض بر نواحی کوچک تر متمرکز شوند تا بتوانند بناها را با زمینه آنها متصل سازند. به نظر آنها طراحی شهری بیشتر به کولاژ یعنی اتصال قطعات گوناگون و تصویر تکه کاری می ماند تا ترسیم؛ لذا شهرسازان را تشویق می کنند که از همه عناصر در دسترس، از جمله بافت شهری موجود بهره گیرند و در پی در هم بافتن عناصر شهر در یک کل منسجم باشند، یعنی یک کولاژ شهر که قطب های مخالفی چون روابط فضایی گذشته و آینده را در بر گیرد. جنبه ادراکی و روش شناسی کولاژ شهر بر اصل شکل-زمینه گشتالت استوار است. (Rowe&Koetter, 1978:12)، (بذرافکن و دیگران؛ ۱۳۹۶: ۳۳۱)، (تولایی، نوین؛ ۱۳۸۰: ۳۶)

**برنتسی برولین** در کتاب «معماری در زمینه- سازگاری ساختمان های جدید با قدیم» پرسش های بنیادینی را در خصوص موضوعاتی چون اهمیت تاریخی، فرهنگی، جذابیت و درجه همگنی؛ مطرح می نماید و بر اساس ویژگیهای معماری برای هر یک از موقعیت های احداث بنا، راهکاری را ارائه می نماید. در خصوص احداث شهری جدید که زمینه معماری در آن وجود ندارد، برولین معتقد است که می بایست به لحاظ نظری قواعدی در نظر گرفت. کاراترین شیوه ای که وی معرفی می نماید اتصال توده و فضا به یکدیگر است. (Brolin, 1980:148-153)

**هارت** حصول شکل معماری و شهری از زمینه را هم به معنای فرم مصنوع و هم فرم فرهنگی مطرح می نماید. Hurr (1982)

**آشیهارا** بر اساس نظریه گشتالت فضاهای شهری گذشته را دارای شکل می داند. فضاهای شهری زمانی به چشم می آیند که اطراف آنها را بناهای نزدیک یا متصل به هم احاطه کند. اگر فاصله بناها بیش از حد باشد، بناها کاملاً از هم جدا می افتند. در این حالت امکان ایجاد فضای مثبت وجود ندارد و رابطه شکل-زمینه از بین می رود. در حقیقت دلپذیرترین فضاهای شهری دارای پیوستگی و ریتمی است که به وسیله بناها به وجود آمده اند. (Ashiihara, 1983: 55-57, 152)

**سیتة** درونمایه معماری و شهرسازی سنتی همچون توجه به سازمان فضایی ساختار کالبدی، نما و طراحی میدانها، راهنمایی برای برون رفت از مشکلات ناشی از آموزه های مدرن می داند. Sitte (1986)

**ترانکیس** بر اهمیت زمینه در تئوری «نقش - زمینه» در شکل گیری معماری و فضای شهری تأکید می نماید. Trancik (1986)

**کاری یورماکا** در فصل ششم کتاب «مقدماتی بر روش های طراحی (معماری)» ، دو رویکرد منطقه گرایی و زمینه گرایی را به عنوان روشهای طراحی واکنش هایی به بستر مطرح می نماید. در منطقه گرایی معمار تلاش می کند تا خود را با ویژگی هایی برگرفته از ویژگیهای منطقه ای و ملی منطبق نماید. در این رویکرد موضوعاتی چون اقلیم، شرایط روشنایی، دما، رطوبت و سایر زمینه ها توجه می شود. حسن فتحی از پیشگامان این رویکرد بشمار می رود. در زمینه گرایی معماران پست مدرن دیگرامهای انتزاعی در مورد ریخت شناسی محیط ترسیم می کردند و سپس تلاش می کردند شخصیت های مشابهی برای آنها بازسازی نمایند. (یورماکا، ۱۳۹۱: ۱۱۳-۱۱۸)

**گروتر** در گفتاری تحت عنوان «رابطه ساختمان با محیط» ، به تبیین انواع روش های برخورد با زمینه می پردازد که هر چند همچون موارد فوق بیشتر به زمینه فیزیکی باز می گردد، اما در واقع قابل تعمیم به دیگر ابعاد زمینه نیز هست. به اعتقاد وی در برخورد با زمینه می توان سه حالت قائل شد: تجانس، تباین و تقابل. (گروتر، ۱۳۹۳)

**فريتس** تئوری زمینه کالبدی را عنصری از تداوم فرهنگی در معماری برای درک مکان و زمان معرفی می نماید (Fritsch 2001)

دیونی در ارتباط با جنبش نوشهرسازی و ضوابط هوشمند معتقد است این ضوابط در مقیاس های گوناگون از ساختمان تا منطقه، اصول و روشهای ارتباط با محیط کالبدی تشریح داده است. (Duany, Speck, and Lydon: 2010)

رحیمی در جمع بندی پژوهش خود به این نتیجه می رسد که معماری زمینه گرا به بافت زمینه، فضا و ارتباط میان این دو (Schultz, 2013:102) و هماهنگی با ابعاد کالبدی، اجتماعی-فرهنگی، طبیعی و تاریخی توجه دارد. (Shabazi, 2016: 80) افزون بر موارد فوق، اندیشمندان داخلی نیز به تحلیل آراء نظریه پردازان فوق پرداخته اند. از جمله

**آنی** مفهوم زمینه مداری در رابطه با فرم شهری که نخستین بار در قالب «تئوری» توسط توماس شوماخر در رابطه زمینه و بافت شهری مطرح شد، بر همزیستی شهرسازی مدرن با شهرهای قدیمی و سنتی به جای گزینه تخریب پهنه های شهری در مرکز شهرها تأکید دارد. (Ozten &) Anay, 2017

**بحرینی** در کتاب تجدد، فرا تجدد و پس از آن در شهرسازی معتقد است جنبش نوشهرسازی با اعلام مواضع روشن هم از نظری تئوری و هم در عمل با کارهای افرادی چون آندرس دوانی و الیزابت پلاتر زیبرک تلاش داشته تا نماینده رویکردی بوم گرایانه باشد. در حوزه عمل، افرادی چون رابرت ونتوری، اسکات براون عمدتاً در زمینه معماری و کامپلو زیته، آلدوروسی و راب و لئون کریر با نقد رویکرد مدرنیستی، نگاه به زمینه تاریخی و محلی را راهگشا می دانند. به این ترتیب زمینه گرایی (کالبدی و اجتماعی)، تاریخ گرایی، منطقه گرایی، کثرت گرایی و مردم گرایی از ویژگی های جنبش پست مدرن است. (بحرینی، ۱۳۷۸)

**نوبین تولایی** در مقاله ای تحت عنوان «زمینه گرایی در شهرسازی» با جمع‌بندی نظریات مرتبط با زمینه گرایی سه بعد کالبدی، تاریخی و اجتماعی-فرهنگی را به عنوان ابعاد اصلی برای مطالعه شهر بیان می نماید. (تولایی، ۱۳۸۰: ۳۴)

**بذر افکن** زمینه گرایی را متمایز از منطقه گرایی و دارای ابعاد زمینه فرمی، زمینه بصری و احساسی و زمینه انسانی معرفی می نماید. و برای منطقه گرایی ابعادی چون مصالح بومی، ساخت بومی، دارای عناصر منطقه ای یا ملی در معماری، همساز با اقلیم منطقه و هندسه و تناسبات معماری بومی را مطرح می نماید. (بذرافکن و دیگران: ۱۳۹۶: ۳۳۵)

**رفعیان** ابعاد کالبدی، تاریخی و اجتماعی-فرهنگی تولایی را مورد تأکید قرار داده و در تکمیل جنبه های آن زمینه طبیعی را نیز در نظر گرفته است. (رفعیان، ۱۳۹۸: ۴۳۷)

**قلعه نویی** در مقاله ای تحت عنوان «خاستگاه های اندیشه و روش زمینه گرایی در شهرسازی، معماری و حوزه های تأثیرگذار بر این دو از دهه ۱۹۶۰ تا کنون» با تبیین اندیشه ها و روش های زمینه گرایی، آن را به سه دوره تقسیم می نماید. دوره اول متأثر از فلسفه و زبان، دوره دوم بیشتر متأثر از تاریخ گرایی، بوم گرایی و توده گرایی و روش هایی که به پشتوانه اندیشه بسط یافته در دوره اول در عمل و اجرا در زمینه معماری و شهرسازی مشاهده می شود. و دوره سوم که دوره متأخر تر است ضمن توجه به تاریخ گرایی، بوم گرایی و منطقه گرایی، اقبال به سوی گرایش های زیست محیطی و توسعه پایدار بیشتر می شود. از نظر وی با توجه به قرابت و تأثیر پذیری رویکرد زمینه گرایی از پست مدرنیسم، به نظر می رسد که این رویکرد کم و بیش برخی از ویژگی های پسا مدرن را نیز با خود دارد. از جمله این ویژگی ها می توان به عدم انسجام در روش و پراکندگی در روش های مورد استفاده آن اشاره نمود. (قلعه نویی، ۱۴۰۱)

## ۲. مبانی نظری:

**۲-۱. زمینه گرایی:** کانتکست از واژه کانتکستر<sup>۱</sup> ریشه گرفته و فعل آن کانتکستر<sup>۲</sup> به معنای بافتن و در هم تافتن است. (Porter, 2004: 31) در بستر شهر می توان کانتکست را اتصال و یا هم نشینی میان بناها خواند. (Porter, 2004: 31) زمینه گرایان معتقدند که اجزای شهر زیر پوشش نیروها یا ویژگی های درونی خود نمی باشد بلکه به محیط و مجموعه پیرامون آن وابسته اند. (امامی و دیگران، ۱۳۹۳) مراد از زمینه همان بستر و محیطی است که معماری در آن شکل می گیرد و محتوا و شکل را دربرمی گیرد. (رفعیان و دیگران، ۱۳۹۸: ۴۳۲) زمینه گرایی بر زمین مداری و پیوند محیط با فضا تأکید دارد و با درک پیام بستر خود شکل می گیرد، در واقع پیام بستر معماری و شهری زمینه را به عینیت رسانده و طراحی می نماید. (بمانیان و دیگران، ۱۳۹۰: ۳۲) این واژه اولین بار توسط «توماس شوماخر» در سال ۱۹۷۱ استفاده شد. شوماخر این اصطلاح را در مورد نظریات رو و کوتر در مقاله شهر چهل تکه به کار برد. (نسبیت، ۱۳۸۷: ۷۸) زمینه گرایی، زمینه را به مثابه رویدادی تاریخی، می پندارد، که عناصر شهر در درون آن، شناخته، پرداخته و ساخته می شوند. دیدگاه مزبور ابتدا به جنبه های صرفاً کالبدی توجه داشت، اما به تدریج به ابعاد انسانی گرایید و حوزه مطالعات خود را به وجوه اجتماعی-فرهنگی جامعه گسترش داد.

<sup>۱</sup> contextus-

<sup>۲</sup> contexere-

شهرساز زمینه گرا باید قادر باشد ویژگی های یک مکان را دریابد و آن را بخشی از فرآیند طراحی خود قرار دهد. (تولایی، ۱۳۸۰: ۳۴) نظریه پردازان مختلف ابعاد متفاوتی را برای زمینه گرایی عنوان نموده اند که در جدول شماره ۱ آمده است:

**جدول ۱- جمع بندی آراء اندیشمندان مختلف در خصوص ابعاد مختلف زمینه گرایی و مفاهیم مشابه** (تولایی، ۱۳۸۰: ۳۴) (Brolin, 1980: 148-153)  
(یورماکا، ۱۳۹۱: ۱۱۳-۱۱۸) (رفعیان، ۱۳۹۸: ۴۳۷) (بذرافکن و دیگران: ۱۳۹۶: ۳۳۵) (Ashiihara, 1983: 55-57, 152)

| نام نظریه پرداز        | مفاهیم      | زمینه ها (ابعاد)                                                                                               | ویژگیها                                                                                                                                                                              |
|------------------------|-------------|----------------------------------------------------------------------------------------------------------------|--------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------|
| تولایی (۱۳۸۰)          | زمینه گرایی | کالبدی، تاریخی، اجتماعی-فرهنگی                                                                                 | —                                                                                                                                                                                    |
| برولین (۱۹۸۰)          | زمینه گرایی | تاریخی، فرهنگی، جذابیت و درجه همگنی                                                                            | اتصال توده و فضا به یکدیگر در شهرهای جدید                                                                                                                                            |
| یورماکا (۱۳۹۱)         | زمینه گرایی | کالبدی                                                                                                         | ترسیم دیگرامهای انتزاعی ریخت شناسی- بازسازی شخصیت های مشابه معماری زمینه                                                                                                             |
| یورکاما (۱۳۹۱)         | منطقه گرایی | اقلیم، شرایط روشنایی، دما، رطوبت                                                                               | انطباق با ویژگی هایی منطقه ای و ملی                                                                                                                                                  |
| کالین رو و کوتر (۱۹۷۸) | کلاژ شهری   | کالبدی                                                                                                         | تمرکز بر نواحی کوچک و پرهیز از طراحی نواحی وسیع، بهره گیری از بافت شهری موجود- یافتن عناصر شهری در یک کل منسجم- در بر گرفتن روابط فضایی گذشته و آینده- تأکید بر اصل شکل-زمینه گشتالت |
| رفعیان (۱۳۹۸)          | زمینه گرایی | کالبدی، تاریخی، اجتماعی-فرهنگی- طبیعی                                                                          |                                                                                                                                                                                      |
| بذرافکن (۱۳۹۶)         | زمینه گرایی | فرمی، بصری، احساسی                                                                                             | متمایز از منطقه گرایی                                                                                                                                                                |
| بذرافکن (۱۳۹۶)         | منطقه گرایی | مصالح بومی، ساخت بومی، دارای عناصر منطقه ای یا ملی در معماری، همساز با اقلیم منطقه و هندسه و تناسب معماری بومی | متمایز از زمینه گرایی                                                                                                                                                                |
| آشیهارا (۱۹۸۳)         | گشتالت      | کالبدی                                                                                                         | تأکید بر ایجاد فضای مثبت و رابطه شکل-زمینه                                                                                                                                           |
| بحرینی (۱۳۷۸)          | پست مدرنیسم | تاریخ گرایی، منطقه گرایی، کثرت گرایی و مردم گرایی                                                              | نگاه به زمینه تاریخی و محلی                                                                                                                                                          |
| قلعه نویی (۱۴۰۱)       | زمینه گرایی | تاریخ گرایی، بوم گرایی، منطقه گرایی، زیست محیطی و توسعه پایدار                                                 | تأکید بر تکامل ابعاد زمینه ها در طول زمان-تأثیر پذیری از پست مدرنیسم- عدم انسجام و پراکندگی در روش                                                                                   |

با توجه به مطالعات فوق، می توان زمینه های شهری را در قالب زمینه کالبدی، زمینه تاریخی، زمینه اجتماعی-فرهنگی، زمینه طبیعی، و زمینه فرمی- بصری تقسیم نمود.

## ۲-۲. مفاهیم مرتبط و تأثیر گذار بر زمینه کالبدی

**الف) ساختار و شکل شهر:** آن چه در این پژوهش، از شکل شهر مد نظر است معادل فارسی واژه فرم است. در حال حاضر بسیاری از محققان متفق القول هستند که شکل شهری پیچیده است و باید به عنوان یک پدیده چند رشته ای، چند مقیاسی و چند راه حلی سنجیده شود. Cutsinger et al. ۲۰۰۵، Frenkel، ۲۰۰۲، Ewing et al.، ۲۰۰۸، Clifton et al.، ۲۰۰۸، Jaeger و همکاران، ۲۰۱۰، و Torrens، ۲۰۰۸) (chen, 2019: 28).

شهرساز زمینه گرا در هنگام ایجاد اجزای جدید شکل شهر به شکل کل از قبل موجود، زمینه تاریخی و نظم اجزای شهر در طول زمان و زمینه اجتماعی-فرهنگی متعهد می ماند. (تولایی، ۱۳۸۰: ۳۴) در زمینه گرایی کالبدی اجزای شکل شهر به تنهایی ارزیابی و مطالعه نمی شوند، بلکه طراح رابطه متقابل آن را با سایر عناصر موجود در زمینه لحاظ می دارد. (هاشم پور، ۱۳۹۷: ۱۱۱) به دلیل اهمیت شناخت شکل شهر موجود و روابط میان اجزاء تشکیل دهنده شکل شهر؛ یکی از موضوعات عمده و مرتبط با بررسی های زمینه گرایی، بررسی شکل شهری می باشد. جدول شماره ۲ اجزاء سازنده شکل شهر را از نظر نظریه پردازان مختلف نشان می دهد:

### جدول ۲ اجزاء سازنده شکل شهر

مأخذ: (دانشپور و روستا، ۱۳۹۱: ۴۸) (حبیب، ۱۳۸۷: ۹) (Clifftin et al. 2008 : 18) (پاکزاد، ۱۳۸۸ : ۱۳۴)

| مؤلف               | سال انتشار | عوامل مؤثر در تعریف شکل شهر                                                              |
|--------------------|------------|------------------------------------------------------------------------------------------|
| ارنهایم            | ۱۹۵۹       | نمود قابل رویت محتوای شهر، واقعیتی پویا                                                  |
| کانزن              | ۱۹۶۰       | کاربری اراضی، سازه ساختمان ها، الگوی قطعات تفکیکی و شبکه ارتباطی                         |
| تریب               | ۱۹۷۴       | کالبد فضای شهری و کاربری ها و فعالیت ها                                                  |
| لینچ               | ۱۹۸۱       | عناصر کالبدی بزرگ و دائمی در شهر و توزیع فضایی مردم در انجام فعالیت ها و جریان های فضایی |
| مالر               | ۱۹۹۸       | ویژگی های کالبدی (شکل هندسی، اندازه و مصالح) ویژگی های محتوایی (کاربری ها و فعالیت ها)   |
| کانتربرت و اندرسون | ۲۰۰۲       | ساختمان، دانه بندی، تراکم و نمود ظاهری                                                   |
| بریملی             | ۲۰۰۵       | اندازه، شکل و سازمان فضایی کاربری های مختلف در شهر                                       |
| کلیفتین و همکاران  | ۲۰۰۸       | عناصر منظر، شبکه ارتباطی، ساختار اقتصادی، عناصر کالبدی                                   |
| پانترو و کارمونا   | ۱۳۹۰       | تراکم، فضای باز، طرح چیدمان، توده گذاری و مقیاس فرم ساختمانی                             |

با توجه به مرور ادبیات مرتبط با شکل یا فرم شهر می توان عناصر و اجزاء سازنده شکل شهر را در قالب سه مولفه اصلی طبقه بندی نمود. کالبدی، عناصر محتوایی و عناصر طبیعی سه مولفه سازنده شکل شهر بشمار می رود. جدول شماره ۳ دسته بندی مولفه ها و شاخصهای تشکیل دهنده شکل شهر را نشان می دهد:

### جدول شماره ۳ دسته بندی مولفه ها و شاخص های تشکیل دهنده شکل شهر مأخذ: نگارندگان

| دسته بندی مولفه ها | معیارها                                                      | نظریه پرداز      |
|--------------------|--------------------------------------------------------------|------------------|
|                    | ساختمان، دانه بندی، تراکم                                    | کوان             |
|                    | تراکم، فضای باز، طرح چیدمان، توده گذاری و مقیاس فرم ساختمانی | پانترو و کارمونا |
|                    | مکان و شبکه های کالبدی                                       | وبر              |

|               |                                                                                                 |                            |
|---------------|-------------------------------------------------------------------------------------------------|----------------------------|
| مولفه کالبدی  | عناصر کالبدی عمده، بی حرکت و دائمی                                                              | لینچ                       |
|               | نقشه خیابان، سبک معماری ساختمان و طراحی آنها                                                    | هربرت و توماس              |
|               | شکل هندسی، اندازه و مصالح                                                                       | مالر                       |
|               | سازه ساختمان، الگوی تفکیکی قطعات و شبکه ارتباطی                                                 | کانزن                      |
|               | نظام حرکتی و ساختار                                                                             | بیکن                       |
|               | کالبد فضای شهری                                                                                 | تریب                       |
|               | ساختار، دانه بندی، تراکم و نمود ظاهری                                                           | کاتبرت و اندرسون           |
|               | اندازه، شکل و سازمان فضایی کاربریها در شهر                                                      | بریملی                     |
|               | شبکه ارتباطی، عناصر کالبدی                                                                      | کلیفتین                    |
|               | حرکت                                                                                            | ایوانز                     |
|               | عناصر ساخته دست آدمی، ساختمان ها، توده و احجام، فضاهای شهری، شبکه راه ها، میادین و تأسیسات شهری | حبیب                       |
|               | تراکم و ساخت و ساز، میانگین مساحت بلوک شهری، فاصله از مرکز شهر، فاصله از مرکز منطقه             | عزیزی                      |
| مولفه محتوایی | الگوی توزیع فضایی فعالیت های انسانی                                                             | اندرسون و مالر             |
|               | ارایش کالبدی فعالیت ها، خانوارها و نهادها                                                       | کاتبرت و اندرسون           |
|               | سازمان فضایی انواع کاربریهای شهری                                                               | بریملی                     |
|               | کاربری زمین                                                                                     | هربرت و توماس، مالر، کانزن |
|               | توزیع فضایی مردم در انجام فعالیت ها و جریان های فضایی                                           | لینچ                       |
|               | ساختار و شرایط اقتصادی                                                                          | کلیفتین و بریملی           |
|               | تبلور فضایی و شکلی حیات مدنی- اجتماعی                                                           | حبیب                       |
|               | سیستم حمل و نقل عمومی، تراکم جمعیت، قیمت زمین                                                   | عزیزی                      |
|               | عملکردهای شهر                                                                                   | ارنهایم                    |
|               | فعالیت های شهری و زمان                                                                          | دانشپور و روستا            |
| مولفه طبیعی   | فعالیت و کاربری، جنبه های اقتصادی، اجتماعی، ارتباطی                                             | تریب                       |
|               | تپه ها، رودخانه ها یا درختان                                                                    | لینچ                       |
|               | بستر طبیعی، زمین و ناهمواریها                                                                   | حبیب                       |

|                 |                                                                   |  |
|-----------------|-------------------------------------------------------------------|--|
| ایوانز          | اصلاح آب و هوا، انرژی                                             |  |
| دانشپور و روستا | عوامل طبیعی                                                       |  |
| کلیفتین         | بوم‌شناسی منظر از جمله سنجه‌های قابل اندازه‌گیری برای شکل شهر است |  |

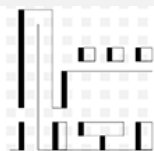
از سوی دیگر در هر شهر، اگرچه عناصری وجود دارند که به مرور زمان دست خوش تغییر و تحول می‌شوند، اما اجزایی هستند که در درازمدت، ثابت باقی می‌مانند و نقش مهمی در تعیین شکل آن شهر دارند. (دانشپور و روستا، ۱۳۹۱: ۴۶) در فرآیند شناخت فرم شهر، اگر بتوان اجزاء اصلی که همان ساختار اصلی شهر است را به خوبی شناخت، می‌توان گفت مهمترین گام در راستای شناخت شکل شهر برداشته شده است. شبکه‌های اصلی دسترسی، عناصر طبیعی شاخص در شهر و مراکز عمده فعالیت، مولفه‌های اصلی ساختار شهر هستند. (شکیبایی، ۱۳۹۷: ۲۷) جدول شماره ۴ جمع‌بندی آراء اندیشمندان را در ارتباط با تعریف و عناصر سازنده ساختار شهر نشان می‌دهد.

جدول شماره ۴ تعاریف و مولفه‌های شکل دهنده ساختار شهری مأخذ: نگارندگان

| عناصر                                                        | تعاریف                                                                                                                                                                                                                                                                 | نظریه پرداز  |
|--------------------------------------------------------------|------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------|--------------|
| شبکه اصلی دسترسی، مراکز عمده فعالیت، عناصر اصلی شهر          | «ساخت اصلی شهر» را در مقابل «پرکننده‌ها» قرار می‌دهد. در هر فرم شهری می‌توان به دنبال چندین عامل یا عنصر بود تا از طریق آنها ساخت اصلی را شناخت                                                                                                                        | الکساندر     |
| شبکه ارتباطی، کاربری، تراکم و ارتباط با طبیعت                | شهرها از دو بخش تشکیل شده است؛ نخست، ابر ساختار شهر (مانند استخوان بندی بدن) که طول عمر زیادی داشته باشند. دوم، محله‌ها، بلوک‌ها، خانه‌ها و شریان‌هایی که برای فعالیت‌های روزانه مورد استفاده قرار می‌گیرند. از ماندگاری کمتری برخوردارند و توان بازنگری و تغییر دارند | متابولیست‌ها |
| ابرساختار و شکل گروهی                                        | ابر ساختار عبارت از شالوده‌ای بسیار بزرگ مقیاس برای شهر                                                                                                                                                                                                                | گیدئون       |
| عملکردهای شهر                                                | ابرساختار یک چارچوب بزرگ است که همه عملکردهای شهر یا بخشی از شهر در آن قرار می‌گیرد                                                                                                                                                                                    | ماکی         |
| واحدهای بزرگ و منفرد و به عنوان ناحیه شهری با هویت مستقل     | ابرساختار ساخت و ترکیب عناصر در دو مقیاس بزرگ چارچوب ساختاری و تعداد زیادی از واحدهای مدولار در شهر است                                                                                                                                                                | بن‌هام       |
| مانند محوره‌های اصلی ارتباطی، فضاهای باز عمده و بناهای عمومی | ابر ساختار، حاصل شکل‌ها، فعالیت‌ها و فضاهایی از شهر است که به دلایل شکلی، فضایی و یا عملکردی، واجد ویژگی برجسته‌ای باشند.                                                                                                                                              | بحرینی       |
| خیابان‌ها و زیرساخت‌ها مربوطه                                | مقاوم‌ترین بخش‌های یک طرح جامع باید خیابان‌ها و زیرساخت‌های مربوطه باشد. اینها بر اساس تصمیمات طراحی بلندمدت هستند که باید ظرفیت کافی و انعطاف‌پذیری را برای دوام برای نسل‌ها فراهم کند.                                                                               | ایوانز       |

با بررسی محتوایی جدول فوق می‌توان دریافت معیارهایی چون شبکه اصلی دسترسی و فضاهای باز عمده، مراکز عمده فعالیت، تراکم و عناصر طبیعی؛ عناصر و اجزای اصلی تشکیل دهنده ساختار شهری می‌باشند.

شکل شهر ماهیتی چند مقیاسی دارد و مطابق با نظر الکساندر از دو بخش عمده ساختار و پرکننده‌ها تشکیل می‌شود. هر یک از این دو بخش از سه دسته عناصر کالبدی، محتوایی و طبیعی تشکیل شده است که در طول زمان دچار تغییراتی می‌گردد.



**ب) ریخت شناسی (مورفولوژی) شهری:** مورفولوژی شهری یکی از مهم ترین رویکردهای کالبدی به شهرهاست که از اواخر قرن نوزدهم میلادی در میان سایر شاخه های علم ایجاد شد. این حوزه از دانش به عنوان یک دانش میان رشته ای شناخته می شود. پورمحمدی و دیگران، (۱۳۹۰: ۱-۲) مطالعات بسیاری در خصوص مورفولوژی (ریخت شناسی) شهری انجام گردیده است. بر اساس طبقه بندی آن ورنر مودون که مبنای بسیاری از مطالعات قرار گرفت، مورفولوژی به سه مکتب کلی بریتانیایی، ایتالیایی و فرانسوی تقسیم می شود. (Moudon, 1997: 3) در دانش شهرسازی، مورفولوژی به بررسی عناصر سازنده شکل شهر می پردازد. در مطالعه شکل شهر، تیپومورفولوژی یا گونه-ریخت شناسی کارایی بسیاری داشته و به مطالعه گونه های فضاها و بناها می پردازد. تحقیقات کانزن از دقیق ترین و کارآمدترین روش گونه-ریخت شناسانه در میان مکاتب سه گانه مورفولوژی شهری بشمار می آید. در این روش نقشه شهر (خیابان، نظام آنها، قطعات زمین و نحوه تجمع آن ها در بلوک و طرح بلوک ها) فرم ساختمان و کاربری مورد بررسی گونه ریخت شناسانه قرار می گیرد. مورفولوژی شهری به دانش شهرسازی کمک می کند تا الگوهای موجود را شناسایی نموده و در توسعه های آتی بکار گیرد.

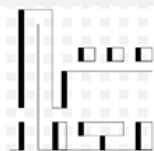
افزون بر ابعاد کالبدی مورفولوژی شهری، روابط و عوامل دیگری بر مورفولوژی شهری تأثیر گذارند؛ فوکو اشاره می کند که «فضا خود دارای یک پیشینه است». این اشاره تلویحاً به این معنی است که فضا خاصیت ریخت زایی دارد و ماهیتی ثابت نیست. مورفولوژی شهری «فوکو» یی بر توصیف نظام مند و تحلیل روابط بین جنبه های اجتماعی و کالبدی فضا/زمان، در طول زمان و با دقتی تا حد مقیاس یک سایت منفرد-اما بدون در نظر گرفتن الگوی وسیع تر اجتماعی- تأکید می کند، ریشه های آن ها را در تغییر اجتماعی، فرهنگی و نهادی تحلیل می نماید و این را به تغییر شرایط تاریخی و کالبدی ارتباطی می دهد. فوکو بر روی شکاف های مکان های ساخته شده تمرکز کرده و از آن ها درون مایه های اجتماعی و فرهنگی استخراج می کند. علاوه بر این، برای مورفولوژی نیز جنبه ای اساسی است؛ زیرا اظهار می کند که شکاف های فرم، یعنی مکان های یک شهر، به اندازه خود فرم های ساخته شده اهمیت دارند. (جمالی، ۱۳۹۴: ۸۸)

دیگر چهره تأثیر گذار این حوزه «هنری لفور» است. لفور را می توان مهم ترین فیلسوف برای مورفولوژی شهری به شمار آورد. اثر اصلی او «تولید فضا» مملو از مفاهیم مرتبط با فضا، تعامل با مردم، محیط ساخته شده و تمام جنبه های فضای اجتماعی خلق شده توسط مردم است. چند موضوع درباره مرتبط ساختن فضای اجتماعی، ذهنی و فیزیکی در آرای لفور دیده می شود؛ اولاً فضای طبیعی در حال ناپدید شدن و به همین نسبت، تفکر آن نیز در حال از میان رفتن است؛ ثانیاً هر جامعه فضای مناسب خود را تولید می کند و ثالثاً اگر فضا یک فرآورده است، انتظار می رود که دانش ما از آن، فرآیند تولید را بازسازی کند، بسط دهد و گسترده تر نماید. (جمالی، ۱۳۹۴: ۸۸-۸۹)

**ج) ترجیحات طبقات اجتماعی در گزینش محل زندگی:** همانطوریکه در بحث مورفولوژی شهری نیز مطرح شد؛ خلق فضا توسط مردم صورت می پذیرد. هربرت گنز که مهمترین جایگاه را در میان ترکیب گرایان دارد، معتقد است که در شهر شیوه های مختلف زندگی وجود دارد و این اختلاف شیوه ها و گوناگونی زندگی شهری بیشتر به عوامل غیر اکولوژیک مانند: سن، جنس، درآمد، سطح سواد و یا قومیت افراد بستگی دارد و عوامل اکولوژیکی مخصوصاً اندازه و تراکم جمعیت و ناهمگونی گروه های شهری هیچ گونه عارضه مستقیم و تأثیر جدی بر زندگی افراد شهرنشین ندارد. به نظر وی اندازه و تراکم جمعیت شهری و ناهمگونی فرهنگی گروه های شهرنشین، نوعی انسان منحصر بفرد و خاص پرورش نمی دهد. (صدیق، ۱۳۸۳: ۳۳) گنز معتقد است که در شهر گروههای مختلفی وجود دارند که هر کدام از آن ها روابط اجتماعی خاصی دارند. (شکیبایی، ۱۳۹۷: ۶۰)

سکونتگاه های انسانی همواره بازتابی از شیوه های زندگی گروه های انسانی هستند. عوامل بسیاری در شیوه زندگی افراد دخیل است. راپاپورت فرهنگ و شیوه زندگی منتج از آن را عامل اصلی در شکل گیری صورت های کالبدی خانه ها می داند و عوامل دیگر را به عنوان عوامل تغییر دهنده بر می شمرد. (Rapaport, 1969)

از دیدگاه بوردیو، جایگاه فرد در ساختار اجتماعی بیانگر میزان بهره مندی شخص از سرمایه های فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی است. (Bourdieu, 1986) لذا سبک و شیوه زندگی اقشار مختلف تحت تأثیر جایگاه طبقاتی آنها قرار دارد. از این رو می توان گفت در یک محیط ثابت، وجود اختلاف های فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی به شکل گیری تفاوت هایی در طبقات اجتماعی و بالطبع در روش زندگی و الگوهای سکونت و مسکن افراد می انجامد. (محمدحسینی و دیگران، ۱۳۹۸)



از نظر جامعه شناسان شکل گیری طبقات اجتماعی متأثر از توزیع سرمایه در جامعه است. (گرب، ۱۳۷۳) به عقیده بورديو در هر میدانی چهار نوع سرمایه وجود دارد: الف) سرمایه اقتصادی، یعنی ثروت و پولی که هر کنشگر اجتماعی در دست دارد و شامل درآمدها و بقیه انواع منابع مالی است؛ ب) سرمایه اجتماعی، به مقامات و روابط گروهی یا شبکه های اجتماعی مربوط می شود که فرد درون آن قرار گرفته است؛ پ) سرمایه فرهنگی، شامل مهارت های خاص و شیوه هایی می شود که فرد از طریق آن خود را از دیگران متمایز می سازد و در خلال اجتماعی شدن در فرد انباشته می شوند؛ ت) سرمایه نمادین، شامل کاربرد نمادهایی است که فرد به کار می گیرد تا به سطوح دیگر سرمایه خود مشروعیت بخشد. سرمایه نمادین جزئی از سرمایه فرهنگی است. (فکوهی، ۱۳۸۱، ۳۰۰، Turner, 1998)

از نظر بورديو بین سرمایه فرهنگی، اقتصادی و اجتماعی نوعی رابطه دیالکتیکی وجود دارد. به طوری که هر کدام به بازتولید دیگری می پردازند. (گنجی و حیدریان، ۱۳۹۳) بیشتر بحث های بورديو پیرامون طبقه، سرمایه فرهنگی و شیوه زندگی مطرح شده است. (Bourdieu, 1986) نگرش های فرهنگی، ترجیحات و رفتارها به عنوان سلیقه ها (ذائقه ها) تصور می شوند و به گزینش اجتماعی می انجامد. (Lamant & Lareau, 1988) بورديو ذائقه را نوعی آگاهی از طبقه و جایگاه اجتماعی و نشان دهنده روحیات زیبایی شناختی و گرایشات مصرفی تعبیر می کند. در واقع هر یک از طبقات اجتماعی ذائقه خاص خود را داشته و هر گونه تغییر و تحول در این ذائقه منوط به شرایط طبقه ای افراد (منش ها) است. (گنجی و حیدریان، ۱۳۹۳). سلیقه با تبدیل شدن به «عادت واره» به صورت طبیعت و سرشت فرد در می آید. بر اساس مشابیهت های عادت واره، سبک های مختلف زندگی شکل می گیرند که مجموعه ای از سلیقه ها و عمل های نظام مندند. (موید حکمت، ۱۳۹۲) بورديو سبک های زندگی را فعالیت های نظام مندی می داند که از ذوق و سلیقه افراد ناشی می شوند و بیشتر جنبه عینی و خارجی دارند. (Bourdieu, 1986) از این رو، سبک یا روش زندگی شامل عادت واره هایی است که منعکس کننده سلاقت و ذائقه های افراد هستند و میان اعضای یک طبقه اجتماعی با ترکیب سرمایه ای مشترک وجود دارد.

روش زندگی تنها وجه عینی و مشخص فرهنگ است که از خلال آن می توان به تمایزهای فردی و گروهی و متعاقباً مسئله هویت افراد و گروه ها پی برد. (افشاری و پوردیهیمی، ۱۳۹۵: ۴) راپاپورت در راستای تبیین نسبت میان فرهنگ و محیط مصنوع شیوه زندگی را عینی ترین مظهر فرهنگ بر می شمرد که در نظام های فعالیت منعکس می شود.

**د) توسعه پایدار و محلات شهری:** پیتروال توسعه پایدار شهری را چنین تعریف می کند: «شکلی از توسعه مدرن که توسعه مستمر شهرها و جوامع شهری را برای نسل های آینده تضمین می کند». ساتر ویت در مناظره علمی خود در مورد شهر پایدار از ضرورت جستجوی شهرها و مناطق روستایی می گوید، جایی که نیاز ساکنان به توسعه بدون تحمیل مطالبات غیرقابل تحمل بر منابع طبیعی و محلی محقق می شود. یا شهر پایدار شهری ایده آل است که بتواند سرپناهی برای انسان فراهم کند به گونه ای که بتواند تمام نیازهای ساکنان را تامین کند. (jeddi, 2017: 16)

از منظر ساختاری، توسعه پایدار شهری مستلزم تغییر در کاربری زمین و سطوح تراکم جمعیت به منظور رفع نیازهای شهر به مسکن، حمل و نقل، اوقات فراغت و غذا است، به طوری که با گذشت زمان، شهر از نظر اکولوژیکی، قابل سکونت و زندگی است. از نظر اقتصادی بادوام و از نظر اجتماعی سازگار است. در بعد اجتماعی یا برابری، برابری اجتماعی و عدالت اجتماعی، توسعه پایدار در حوزه بوم شناسی اجتماعی و زیر شاخه آن بوم شناسی شهری مطرح می شود و معتقد است که بازیگران اصلی توسعه، انسان و جامعه او هستند (ابراهیم زاده، و همکاران، ۲۰۰۹).

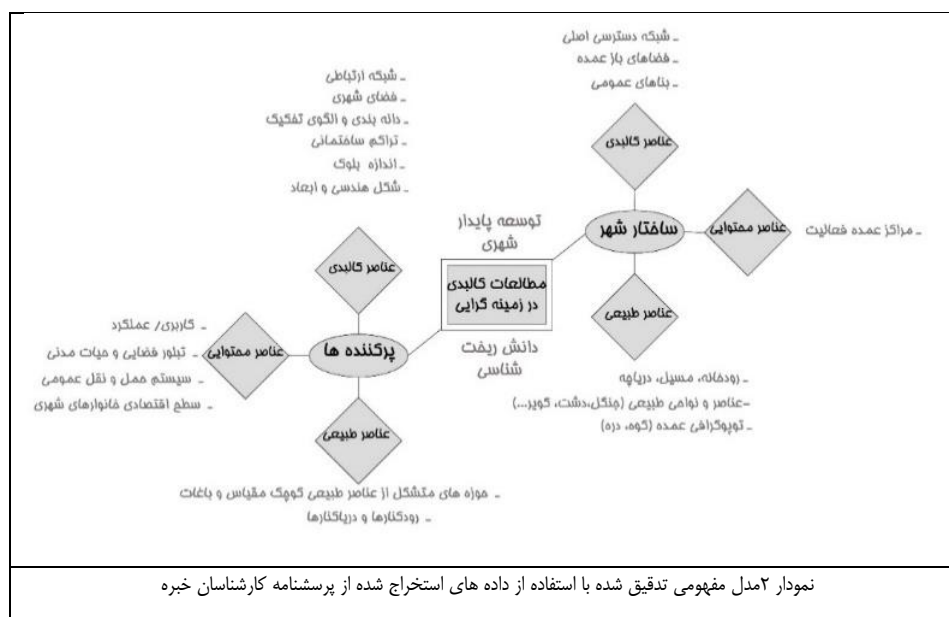
برنامه ریزان «شهر سبز»، کاهش وابستگی به اتومبیل را به عنوان مهم ترین ملاحظه طراحی شهری در نظر می گیرند. از دیگر اقدامات مناسب برنامه ریزی برای ترویج سکونتگاه های پایدار می توان به عدم حمایت از مسکن کم تراکم، درجاتی از تمرکز فعالیتی و تلفیق توسعه با تسهیلات حمل و نقل عمومی اشاره کرد. امروزه محله های شهری به عنوان مهم ترین عنصر شهر که پایداری اقتصادی و اجتماعی نواحی را تأمین نموده، روابط اجتماعی محلی و حفظ همبستگی آن را فراهم می کنند و ارتباط با نواحی اطراف را سبب می شوند، مد نظر قرار می گیرند. (بحرینی و ولدخانی: ۱۸ و ۱۹) قرار دادن ترکیبی از کاربری ها در یک محله می تواند پایداری را از طریق دسترسی پیاده به خدمات، رونق کسب و کارهای محلی، ایجاد فرصت هایی برای کار محلی، و ایجاد مکان هایی برای طیف وسیعی از مردم برای مشارکت در فعالیت ها ارتقا دهد و امکان ملاقات یکدیگر را فراهم کند. (Evans, 2007: 77) چن واژه "تنوع" را به معنای انواع کاربری

ها و فعالیت های مجزا در مجاورت دیگر کاربری های متمایز زمین تعریف می نماید. بسیاری از مطالعات نشان داده اند که تنوع کاربری، پیاده روی، دوچرخه سواری و استفاده کمتر خودرو را تسهیل می کند. (Popkin, Song and Gordon-Larsen 2013) و باعث افزایش تعداد انواع فعالیت هایی می شود که در مکان ها انجام می شود. (chen, 2019: 53,54)

مخلفه های با کاربری مختلط تبدیل به پیش فرض شده اند و زندگی در مرکز شهر قابل قبول و مطلوب شده است. با وجود این، نیاز به درک گسترده تری از این که چگونه توسعه های با کاربری مختلط می توانند به طور مؤثر طراحی، ترویج و مدیریت شوند، وجود دارد. برای موفقیت، مراکز با کاربری مختلط باید در مکان مناسب و با اتصالات مناسب باشند. آنها باید با توجه به نیازهای همه کاربران در دسترسی و استفاده از خدمات طراحی شوند. انعطاف پذیری استفاده باید به گونه ای باشد که ساختمان ها بتوانند با تغییر نیازها سازگار شوند. این اصول در طیف وسیعی از مقیاس ها از ساختمان های مختلط و مراکز همسایگی تا مناظر چند منظوره اعمال می شوند. (Evans, 2007: 77)

## ۴. یافته های پژوهش

۴-۱. تدوین مدل مفهومی، مولفه ها و شاخص های تحقیق: با توجه به آنچه که گذشت می توان ارتباط مفاهیم بنیادی پژوهش را اینگونه توصیف نمود. زمینه گرای افزون بر چهار بعد کالبدی، تاریخی، اجتماعی-فرهنگی و طبیعی؛ می تواند در مطالعات زمینه ای از منظر کالبدی به دو دسته ساختار شهر و پرکننده های آن تقسیم شود. برای تدوین مولفه ها و شاخص های نهایی پژوهش، همانطوریکه در بخش روش پژوهش اشاره شد، شده از سوی خبرگان دانش شهرسازی (اساتید دانشگاهها، مهندسان حرفه شهرسازی و متخصصین دستگاههای اجرایی) مورد سنجش واقع شد. با استفاده از دانش ریخت شناسی و اجزائی که نظریه پردازان مختلف در ارتباط با شکل شهر تبیین نموده اند، می توان مدل مفهومی کلی زمینه گرای در طراحی توسعه های جدید شهری را در قالب نمودار شماره ۲ ترسیم نمود.



با توجه به مدل مفهومی پژوهش و مولفه های استخراج شده از آراء متخصصین شهرسازی، در اهمیت و با لزوم وجود چنین مولفه هایی؛ شاخصهای بررسی های زمینه گرایانه مطابق با جدول شماره ۵ در نظر گرفته شده و بر اساس این شاخصها پرسشنامه ساکنین تدوین گردید.

## جدول شماره ۵- مولفه ها و شاخصهای طراحی شهری با رویکرد زمینه گرای مآخذ: نگارندگان

| طبقه بندی اصلی                             | طبقه بندی فرعی/معیار                                                            | شاخصهای سنجش مطلوبیت                                                                                                                                                                                       |
|--------------------------------------------|---------------------------------------------------------------------------------|------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------|
| مولفه کالبدی تشکیل دهنده ساختار شهر        | فضای باز عمده                                                                   | هویت-ترکیب عملکردی-تجهیز فضا-دسترسی پذیری-الگوهای مختلف                                                                                                                                                    |
|                                            | بناهای عمومی                                                                    | ترکیب عملکردی/زون بندی کاربریها-الگوهای خدمات عمومی                                                                                                                                                        |
|                                            | مراکز عمده فعالیت                                                               | دسترسی پذیری-تنوع فعالیتی-همه شمولی-هویت-جذابیت-آرامش و کشف فضا-پیاده مداری-سرزندگی و زندگی شبانه-خوانایی-فعالیت اختیاری-فعالیت اجباری-تجهیزات و پوشش گیاهی-ابعاد انسانی-ایمنی                             |
| مولفه طبیعی تشکیل دهنده ساختار شهر         | رودخانه، مسیل، دریاچه و ...<br>عناصر و نواحی طبیعی (جنگل، کویر، دشت، باغ و ...) | الگوی طراحی رودکنار-چشم انداز طبیعی-حفاظت از عناصر طبیعی پیرامون شهر-نقش حفاظتی عناصر طبیعی پیرامونی                                                                                                       |
| مولفه کالبدی پرکننده های بافت شهری         | فضای شهری در مقیاس محلی، ناحیه ای و منطقه ای                                    | فضای سبز محلی                                                                                                                                                                                              |
|                                            | تراکم                                                                           | تراکم مطلوب                                                                                                                                                                                                |
| مولفه های سازنده های پرکننده های بافت شهری | کاربریها و عملکردهای تشکیل دهنده کالبد شهر                                      | خدمات محله ای                                                                                                                                                                                              |
|                                            | مکان گزینی خانوارهای شهری ساکن*                                                 | ارتباط و نزدیکی با خانواده و آشنایان- سکونت اقشار مختلف اجتماعی- اقتصادی- توانایی اقتصادی خانوارها در آزادی برای انتخاب محل سکونت- دسترسی کوتاه به مرکز شهر- فاصله از مرکز شهر- حس تعلق- دسترسی به محل کار |
|                                            | سیستم حمل و نقل عمومی                                                           | حمل و نقل یکپارچه-الگوی حمل و نقل-طراحی خودرو محور/انسان محور                                                                                                                                              |
|                                            | حوزه های متشکل از عناصر طبیعی کوچک مقیاس                                        | چشم اندازهای طبیعی-ارتباط با طبیعت                                                                                                                                                                         |
| مولفه طبیعی تشکیل دهنده پرکننده های شهری   | رودکنارها و دریا کنارها                                                         | چشم اندازهای طبیعی-ارتباط با طبیعت                                                                                                                                                                         |

#### ۴-۲-متغیرهای تحقیق:

متغیرهای مستقل این پژوهش شامل ساختار و بافت شهر قزوین و متغیر وابسته میزان مطلوبیت ساختار و بافت شهر را شامل می شود. متغیر میانجی که به نوعی ابزار سنجش مطلوبیت کالبدی هستند، متغیرهایی هستند که در جدول شماره ۵ بعنوان شاخص های سنجش میزان مطلوبیت معرفی شده اند.

#### ۴-۳-سنجش صحت مولفه ها و معیارهای استخراج شده

به منظور سنجش صحت مولفه ها و معیارهای استخراج شده از مبانی نظر پژوهش از روش پرسشنامه استفاده گردید. این پرسشنامه به صورت آنلاین و در قالب ۴۹ سوال تدوین و برای اساتید دانشگاههای کشور و دست اندرکاران اجرایی ارسال گردید. از

بین ۶۰ پرسشنامه ارسالی، ۳۰ پرسشنامه تکمیل و ثبت شده است.

پرسشنامه طراحی شده در قالب کلی دو دسته پرسش تدوین شد. اول بدین منظور که آیا عنصر نامبرده در دسته بندی درست قرار گرفته و مرتبط با موضوع پژوهش می باشد یا خیر و دومین دسته بر اساس طیف ۹ گانه (بدین ترتیب که (اهمیت خیلی کم = ۱) و (اهمیت خیلی زیاد = ۹) از پاسخ دهندگان خواسته شد تا ضریب اهمیت هر یک از عناصر را تبیین نمایند. در نهایت از پاسخ دهندگان خواسته شد اگر عنصر دیگری را می توان بر عناصر فوق افزود و یا سایر توضیحات را تبیین نمایند.

در تحلیل گونه نخست سوالات از ضریب نسبی روایی محتوایی به روش کمی (CVR) استفاده شده است. مطابق فرمول

$$cvr = \frac{ne - (\frac{N}{2})}{(\frac{N}{2})}$$

تعداد متخصصان N= و تعداد افرادی که سوال مربوطه را تأیید کرده اند ne=

جدول شماره ۶- میزان روایی محتوایی عناصر زمینه کالبدی

| سوالات | ne | cvr  | سوالات | ne | cvr  |
|--------|----|------|--------|----|------|
| ۱      | ۳۰ | ۱    | ۲۵     | ۳۰ | ۱    |
| ۳      | ۳۰ | ۱    | ۲۷     | ۲۴ | ۰,۶  |
| ۵      | ۳۰ | ۱    | ۲۹     | ۲۶ | ۰,۷۳ |
| ۷      | ۱۸ | ۰,۲  | ۳۱     | ۳۰ | ۱    |
| ۹      | ۳۰ | ۱    | ۳۳     | ۱۸ | ۰,۲  |
| ۱۱     | ۳۰ | ۱    | ۳۵     | ۲۶ | ۰,۷۳ |
| ۱۳     | ۲۶ | ۰,۷۳ | ۳۷     | ۱۸ | ۰,۲  |
| ۱۵     | ۲۶ | ۰,۷۳ | ۳۹     | ۳۰ | ۱    |
| ۱۷     | ۲۰ | ۰,۳۳ | ۴۱     | ۱۸ | ۰,۲  |
| ۱۹     | ۳۰ | ۱    | ۴۳     | ۳۰ | ۱    |
| ۲۱     | ۳۰ | ۱    | ۴۵     | ۲۶ | ۰,۷۳ |
| ۲۳     | ۳۰ | ۱    | ۴۷     | ۳۰ | ۱    |

بر اساس تعداد متخصصینی که سوالات را مورد ارزیابی قرار داده اند، حداقل مقدار CVI قابل قبول بر اساس جدول زیر بایستی در نظر گرفته شود. سوالاتی که مقدار CVI محاسبه شده برای آنها کمتر از میزان مورد نظر با توجه به تعداد متخصصین ارزیابی کننده سوال باشد، بایستی از آزمون کنار گذاشته شوند چرا که روایی محتوایی لازم را ندارند.

| جدول شماره ۷ حداقل مقدار CVI قابل قبول بر اساس تعداد متخصصین نمره گذار |           |               |           |               |           |
|------------------------------------------------------------------------|-----------|---------------|-----------|---------------|-----------|
| تعداد متخصصین                                                          | مقدار CVI | تعداد متخصصین | مقدار CVI | تعداد متخصصین | مقدار CVI |
| 5                                                                      | 0.99      | 11            | 0.59      | 25            | 0.37      |
| 6                                                                      | 0.99      | 12            | 0.56      | 30            | 0.33      |
| 7                                                                      | 0.99      | 13            | 0.54      | 35            | 0.31      |
| 8                                                                      | 0.75      | 14            | 0.51      | 40            | 0.29      |
| 9                                                                      | 0.78      | 15            | 0.49      |               |           |
| 10                                                                     | 0.62      | 20            | 0.42      |               |           |

با توجه به اینکه در این پژوهش نظر ۳۰ متخصص اخذ گردیده است، مطابق جدول فوق؛ اعتبار محتوایی عناصر با CVI بالاتر از ۰,۳۳ قابل پذیرش می باشد. با توجه به جدول تحلیلی شماره .... و مطابق آراء حاصل از نظر متخصصان، عناصر ۷- ناحیه بندی شهری، ۱۷- مقیاس عناصر، ۳۷- توزیع مردم در فعالیت های شهری و ۴۱= قیمت زمین و ساختمان در سطح شهر از عناصر مورد سنجش در این پژوهش حذف شد. به منظور تحلیل گونه دوم سوالات (میزان اهمیت هر یک از عناصر) می توان همانند شیوه تحلیل در طیف لیکرت از مجموع یا میانگین ارزشهای تعیین شده توسط متخصصین استفاده نمود. جدول شماره ۳-۴ میزان اهمیت هر یک از عناصر را از منظر متخصصان نشان می دهد.

جدول شماره ۸- ضریب اهمیت عناصر زمینه کالبدی

| طبقه بندی اصلی                       | طبقه بندی فرعی       | میانگین ضریب اهمیت | مجموع ضریب اهمیت |
|--------------------------------------|----------------------|--------------------|------------------|
| عناصر کالبدی تشکیل دهنده ساختار شهر  | شبکه دسترسی عمده شهر | ۸,۴                | ۱۲۷              |
|                                      | فضای باز عمده        | ۷,۴                | ۱۱۱              |
|                                      | بناهای عمومی         | ۶,۶                | ۹۹               |
|                                      | ناحیه بندی شهری*     | ۵,۸                | ۸۷               |
| عناصر محتوایی تشکیل دهنده ساختار شهر | مراکز عمده فعالیت    | ۷,۴                | ۱۱۱              |

|     |     |                                                  |                                          |                                    |
|-----|-----|--------------------------------------------------|------------------------------------------|------------------------------------|
| ۸۱  | ۵,۴ | رودخانه، مسیل، دریاچه و ...                      | عناصر طبیعی تشکیل دهنده ساختار شهر       | عناصر سازنده پرکننده های بافت شهری |
| ۱۱۳ | ۷,۵ | توپوگرافی عمده (کوه، دره و ...)                  |                                          |                                    |
| ۱۰۹ | ۷,۲ | عناصر و نواحی طبیعی (جنگل، کویر، دشت، باغ و ...) |                                          |                                    |
| ۸۴  | ۵,۶ | مقیاس عناصر (شهری، منطقه ای، محلی)*              | عناصر کالبدی پرکننده های بافت شهری       |                                    |
| ۹۹  | ۶,۶ | شبکه ارتباطی مقیاس محلی، ناحیه                   |                                          |                                    |
| ۱۱۷ | ۷,۸ | فضای شهری در مقیاس محلی، ناحیه ای و منطقه ای     |                                          |                                    |
| ۱۱۱ | ۷,۴ | دانه بندی و الگوی تفکیک قطعات                    |                                          |                                    |
| ۱۰۵ | ۷   | تراکم ساختمانی                                   |                                          |                                    |
| ۹۱  | ۶   | بلوکهای شهری                                     |                                          |                                    |
| ۱۱۷ | ۷,۸ | کاربرها و عملکردهای تشکیل دهنده کالبد شهر        | عناصر محتوایی پرکننده های بافت شهری      |                                    |
| ۸۷  | ۵,۸ | مکان گزینی خانوارهای شهری ساکن*                  |                                          |                                    |
| ۱۰۱ | ۶,۷ | تراکم جمعیتی ساکن                                |                                          |                                    |
| ۸۰  | ۵,۳ | توزیع مردم در فعالیت های شهری*                   |                                          |                                    |
| ۱۰۲ | ۶,۸ | توزیع فضایی و حیات مدنی                          |                                          |                                    |
| ۱۰۹ | ۷,۲ | قیمت زمین و ساختمان*                             |                                          |                                    |
| ۱۲۱ | ۸   | سیستم حمل و نقل عمومی                            |                                          |                                    |
| ۱۰۴ | ۶,۹ | حوزه های متشکل از عناصر طبیعی کوچک مقیاس         | عناصر طبیعی تشکیل دهنده پرکننده های شهری |                                    |
| ۱۰۴ | ۶,۹ | رودکنارها و دریا کنارها                          |                                          |                                    |

(موارد مشخص شده با \* در گونه سوالات قبل از عناصر سازنده زمینه گرایی کالبدی حذف گردید.)

با توجه به جدول فوق عناصری چون «شبکه دسترسی عمده شهر» با اهمیت ۸,۴؛ «سیستم حمل و نقل عمومی» با اهمیت ۸، «فضای شهری در مقیاس خرد» و «کاربرها و عملکردهای تشکیل دهنده کالبد شهر» با ۷,۸ دارای بیشترین اهمیت و در مرتبه بعدی عناصر «فضای باز عمده»؛ «مراکز عمده فعالیت»؛ «دانه بندی و الگوی تفکیک قطعات»؛ با اهمیت ۷,۴؛ «عناصر و نواحی طبیعی (جنگل، کویر، دشت، باغ و ...)» با اهمیت ۷,۴ و سایر عناصر در رتبه های اهمیت پائین تر قرار دارند.

برخی از معیارهای فوق، معیارهایی است که از طریق سنجش با روشهای نرم افزاری و پیمایشی قابل دستیابی است، لیکن به

منظور بررسی سایر شاخص‌هایی که مرتبط با پرسش از ساکنین منطقه ۳ شهر می باشد؛ طبقه بندی مجددی صورت پذیرفت و شاخصهای مربوطه مجددا مورد سنجش از منظر نخبگان واقع شد.

#### ۴-۴- ارزیابی شاخص‌های پژوهش

#### وزن نسبی زیر معیارهای، معیارهای شناسایی شده

در این بخش وزن نسبی و اولیه زیر معیارهای شناسایی شده (شاخص‌ها) از معیارهای اصلی در نظر گرفته با توجه به پاسخ‌های خبرگان گزارش شده است. جدول شماره .... شامل این اوزان می‌باشند. این وزن‌های نسبی معیاری برای ساخت اوزان نهایی و تصمیم‌گیری نهایی در مورد مهمترین شاخص‌ها می‌باشند.

جدول شماره ۹- اوزان نسبی شاخص‌های تدوین شده

| وزن نسبی | شاخص                                         |               |                                            |
|----------|----------------------------------------------|---------------|--------------------------------------------|
| ۰/۰۳۴    | انعطاف پذیری                                 | فضای باز عمده | مولفه کالبدی<br>تشکیل دهنده<br>ساختار شهر  |
| ۰/۱۷۲    | هویت                                         |               |                                            |
| ۰/۱۲۶    | تجهیز فضا                                    |               |                                            |
| ۰/۴۰۲    | دسترسی پذیری                                 |               |                                            |
| ۰/۲۶۶    | افزایش فضاهای شهری                           |               |                                            |
| ۰/۱۵۲    | ترکیب عملکردی                                | بناهای عمومی  | مولفه محتوایی<br>تشکیل دهنده<br>ساختار شهر |
| ۰/۱۲۰    | زون بندی کاربری ها                           |               |                                            |
| ۰/۱۴۷    | جاذبیت                                       |               |                                            |
| ۰/۱۳۲    | دسترسی پذیری                                 |               |                                            |
| ۰/۱۵۲    | تنوع فعالیتی                                 |               |                                            |
| ۰/۰۵۸    | آرامش و کشف فضا                              |               |                                            |
| ۰/۰۴۲    | همه شمولی (گروه های مختلف مردم و سنین مختلف) |               |                                            |
| ۰/۰۳۶    | هویت                                         |               |                                            |
| ۰/۰۳۴    | خوانایی                                      |               |                                            |
| ۰/۰۹۳    | ایمنی                                        |               |                                            |
| ۰/۱      | سرزندگی و زندگی شبانه                        |               |                                            |
|          |                                              |               |                                            |
|          |                                              |               |                                            |

|       |                                                         |                                            |                                           |
|-------|---------------------------------------------------------|--------------------------------------------|-------------------------------------------|
| ۰/۱۲۰ | راسته های تخصصی                                         |                                            |                                           |
| ۰/۰۹۳ | پیاده مداری                                             |                                            |                                           |
| ۰/۳۶۵ | طراحی رودکنارها                                         |                                            |                                           |
| ۰/۲۹۱ | چشم اندازهای مطلوب                                      | عناصر طبیعی                                | مولفه طبیعی<br>تشکیل دهنده<br>ساختار شهر  |
| ۰/۲۷۶ | نقش حفاظتی عناصر طبیعی پیرامونی                         |                                            |                                           |
| ۰/۱۲۷ | فضای سبز محلی                                           |                                            |                                           |
| ۰/۰۷۵ | الگوی تراکمی مطلوب                                      | تراکم                                      | مولفه کالبدی<br>پرکننده های<br>بافت شهری  |
| ۰/۰۶۱ | دسترسی مناسب به خدمات محلی                              | کاربرپها و عملکردهای تشکیل دهنده کالبد شهر | مولفه محتوایی<br>پرکننده های<br>بافت شهری |
| ۰/۱۲۰ | ارتباط و نزدیکی با خانواده و آشنایان                    | مکان گزینی خانوارهای شهری ساکن             |                                           |
| ۰/۰۹۰ | سکونت اقشار مختلف اجتماعی- اقتصادی                      |                                            |                                           |
| ۰/۰۷۱ | توانایی اقتصادی خانوارها در آزادی برای انتخاب محل سکونت |                                            |                                           |
| ۰/۰۴۹ | گرایش به استفاده از مراکز تجاری واقع در بافت مرکزی      |                                            |                                           |
| ۰/۰۱۰ | حس تعلق                                                 |                                            |                                           |
| ۰/۰۳۹ | دسترسی به محل کار                                       |                                            |                                           |
| ۰،۱۲۰ | دسترسی به خدمات محله ای نظیر مدرسه، کاربری درمانی و ... |                                            |                                           |
| ۰،۰۹۱ | الگوی استفاده از خودروی شخصی                            | وزن نسبی شاخص های دسترسی و حمل و نقل       |                                           |
| ۰،۰۹۱ | الگوی خیابانهای منطقه (خودرو محور)                      |                                            |                                           |
| ۰،۸۱۸ | استفاده از حمل و نقل عمومی یکپارچه                      |                                            |                                           |

مطابق با جدول فوق، در ارتباط با معیار فضای باز عمده شهری بیشترین اوزان مربوط به شاخص های دسترسی پذیری، افزایش میزان فضاهای شهری، هویت و تجهیز فضا؛ در ارتباط با معیار بناهای عمومی، بیشترین وزن مربوط به ترکیب عملکردی؛ در ارتباط با معیار بازارهای سنتی و مراکز تجاری بیشترین اوزان مربوط به تنوع فعالیتی، جذابیت، دسترسی پذیری، راسته های تخصصی و سرزندگی و زندگی شبانه؛ در ارتباط با عناصر طبیعی نقش حفاظتی عناصر طبیعی پیرامونی شهر و چشم اندازهای مطلوب، دارای بیشترین میزان اوزان بوده و در ارتباط با معیار مکان گزینی محل سکونت خانوارهای ساکن شاخص های ارتباط و نزدیکی با اعضای خانواده و آشنایان و دسترسی به خدمات محله ای از وزن بیشتری برخوردار می باشد.

## ارزیابی اوزان برای معیارهای مؤثر در در تدوین الگوی کالبدی بهینه

همانطور که اشاره شد در این تحقیق به منظور وزن دهی به مهم‌ترین معیارهای ارزیابی تدوین الگوی کالبدی بهینه بافتهای منفصل شهری با تأکید بر زمینه گرایی، از تکنیک AHP فازی استفاده شد. در طراحی پرسشنامه جهت مقایسه زوجی میان معیارها، به دلیل عدم اطمینان و قطعیت پاسخ دهندگان به سوالات مطرح شده، از داده‌های فازی مثلثی بهره گرفته شده است، همچنین پس از جمع‌آوری داده‌های مورد نیاز، به منظور تجزیه و تحلیل داده‌ها از نظرات خبرگان مربوطه میانگین هندسی گرفته شد. برای تعیین پایایی این پرسشنامه، نرخ ناسازگاری هریک از ماتریس‌ها محاسبه گردید، که در جدول ۳۰-۴ آمده است. اگر ماتریس مقایسات زوجی قطعی سازگار باشد، ماتریس مقایسات زوجی فازی نیز سازگار خواهند بود.

جدول شماره ۱۰- نرخ ناسازگاری (بررسی پایایی) پرسشنامه مقایسات زوجی

| نرخ ناسازگاری | نام ماتریس                                                    |
|---------------|---------------------------------------------------------------|
| ۰/۰۶۱         | ماتریس مقایسه زوجی معیارهای ۶ گانه                            |
| ۰/۰۰۱         | ماتریس مقایسه زوجی شاخص‌های معیار دسترسی و حمل و نقل          |
| ۰/۰۸۱         | ماتریس مقایسه زوجی شاخص‌های معیار بازارهای سنتی و مراکز تجاری |
| ۰/۰۴۳         | ماتریس مقایسه زوجی شاخص‌های معیار کاربری‌های شهری             |
| ۰/۰۴۶         | ماتریس مقایسه زوجی شاخص‌های معیار عناصر طبیعی                 |
| ۰/۰۷۲         | ماتریس مقایسه زوجی شاخص‌های معیار فضای شهری عمده              |
| ۰/۰۶۸         | ماتریس مقایسه زوجی شاخص‌های معیار مکان‌گزینی خانوارهای شهری   |

با توجه به اینکه نرخ ناسازگاری تمامی مقایسات کمتر از ۰/۱ است درجه سازگاری ماتریس قابل قبول می‌باشد و ناسازگاری جدی در ماتریس‌ها وجود ندارد، در این ابزار اندازه‌گیری نیز با توجه به درجه سازگاری هر یک از ماتریس‌ها، ناسازگاری جدی در ماتریس‌ها وجود نداشته و سازگاری ماتریس‌ها قابل قبول می‌باشد. با استفاده از روش مرکز ناحیه، اوزان وزنی بدست آمده از تکنیک AHP فازی را به صورت اعداد قطعی درآورده، نتیجه در جدول شماره ۴-۳۱ گردآوری شد.

جدول شماره ۱۱- وزن نهایی (قطعی) و رتبه معیارها

| رتبه | وزن قطعی | معیارهای کلی                |
|------|----------|-----------------------------|
| ۴    | ۰/۱۳۸    | دسترسی و حمل و نقل          |
| ۱    | ۰/۲۸۴    | بازارهای سنتی و مراکز تجاری |
| ۵    | ۰/۱۲۶    | کاربری‌های شهری             |
| ۳    | ۰/۱۷۸    | عناصر طبیعی                 |

|   |       |                           |
|---|-------|---------------------------|
| ۲ | ۰/۲۲۱ | فضای شهری عمده            |
| ۶ | ۰/۰۵۳ | مکان‌گزینی خانوارهای شهری |

با توجه به جدول ۱۱ و اوزان نهایی مهمترین معیارها در تدوین الگوی کالبدی بهینه بافتهای منفصل شهری با تأکید بر زمینه‌گرایی، ملاحظه می‌شود که معیار "بازارهای سنتی و مراکز تجاری" دارای بالاترین وزن و اهمیت بوده و در رتبه اول قرار دارد. رتبه دوم مربوط به معیار "فضای شهری عمده" و رتبه سوم مربوط به معیار "عناصر طبیعی" بوده است.

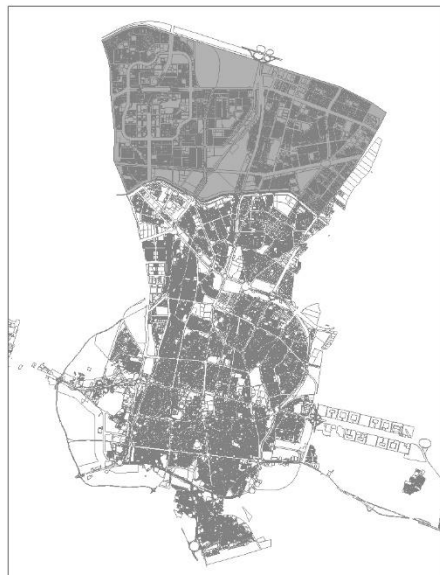


نمودار ۳- مقایسه معیارها

#### ۴-۵. تحلیل‌های آماری

**الف- پرسشنامه ساکنین:** این بخش از پژوهش به تحلیل داده‌های حاصل از پرسشنامه ساکنین منطقه ۳ شهر قزوین می‌پردازد. در تجزیه و تحلیل تحقیق حاضر یک بُعد کمی وجود دارد که محاسبات آماری خاص است و یک بُعد کیفی که تحلیل‌ها، استدلال‌ها و استنتاج‌هایی است که بر نتایج به دست آمده از محاسبات آماری صورت می‌گیرد. تا بتوان نتایج حاصل از مشاهدات در نمونه انتخابی را به جامعه آماری مورد نظر تعمیم داد. در این فرآیند ابتدا اطلاعات حاصل از پرسشنامه‌ها استخراج و سپس کلیه اطلاعات با استفاده از نرم‌افزارهای آماری SPSS.27 و AHP Solver در بخش آمار استنباطی مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته‌اند.

همانطوریکه در بخش روش پژوهش نیز اشاره شد، جامعه آماری پژوهش ساکنین منطقه ۳ شهرداری قزوین که در بافت جدید شهر واقع شده است را شامل می‌شود. که مطابق با آخرین سرشماری جمعیت سال ۱۳۹۹ (آخرین سرشماری) جمعیتی برابر با ۱۱۸۵۸۲ نفر را شامل می‌شود. با استفاده از فرمول کوکران و مقدار خطای ۰,۰۷ مقدار نمونه برای جامعه فوق برابر با ۱۹۶ نفر می‌باشد. تصویر شماره ۱ موقعیت منطقه ۳ را در شهر قزوین نشان می‌دهد.



تصویر شماره ۱ موقعیت منطقه ۳ شهر قزوین

تحلیل یافته ها با استفاده از نظرات شهروندان، مولفه ها و شاخص های موثر بر مطلوبیت زمینه شناسایی، (با استفاده از آزمون تی تک نمونه ای و ملاک آزمون ۳ با توجه به طیف لیکرت ۵ تایی) و رتبه بندی با استفاده از آزمون فریدمن و میانگین رتبه های استخراج شده است.

شاخص های حاصل از چارچوب نظری پژوهش؛ به منظور سنجش مطلوبیت های شهر قزوین از دیدگاه ساکنین مورد بررسی واقع شد. نتایج پاسخ دهی شهروندان پرسشنامه به همراه آزمون تی تک نمونه ای با ملاک آزمون ۳ برای معیارها و شاخص های استخراج شده است. جداول ۱۲ تا ۲۰ نتایج آزمون ها را در ارتباط با هر یک از شاخص های مولفه های کالبدی تشکیل دهنده ساختار شهر نشان می دهد.

#### جدول ۱۲: نتایج آزمون تی تک نمونه ای شاخص های فضای باز عمده تشکیل دهنده ساختار شهر (مأخذ: نگارندگان)

| مولفه کالبدی<br>تشکیل دهنده<br>ساختار شهر | نتایج آزمون   | انعطاف پذیری | هویت  | تجهیز فضا | دسترسی پذیری | کمبود فضا | الگوهای مختلف |
|-------------------------------------------|---------------|--------------|-------|-----------|--------------|-----------|---------------|
| فضای باز<br>عمده                          | میانگین       | ۳,۹۸         | ۴,۱۰۹ | ۳,۱۸      | ۳,۷۶         | ۴,۰۸      | ۳,۶۵          |
|                                           | سطح معنی داری | ۰,۰۰۱        | ۰,۰۰۱ | ۰,۰۰۳     | ۰,۰۰۱        | ۰,۰۰۱     | ۰,۰۰۱         |

نتایج آزمون ها نشان می دهد شاخص های انعطاف پذیری، هویت، تجهیز فضا و دسترسی پذیری و الگوهای مختلف و کمبود فضاهای باز عمده تشکیل دهنده ساختار شهر از منظر شهروندان ساکن در منطقه ۳ شهر قزوین دارای میانگین قابل قبول بوده و در همه موارد بجز تجهیز فضا با سطح معنی داری ۰,۰۰۱ برای شهروندان دارای اهمیت بوده است.

جدول ۱۳: نتایج آزمون تی تک نمونه‌ای شاخص بناهای عمومی تشکیل دهنده ساختار شهر (مأخذ: نگارندگان)

| مولفه کالبدی تشکیل دهنده ساختار شهر | بناهای عمومی (مراکز دولتی و اداری) | نتایج آزمون   | ترکیب عملکردی | زون بندی کاربریها |
|-------------------------------------|------------------------------------|---------------|---------------|-------------------|
|                                     |                                    | میانگین       | ۲,۸۸۱         | ۳,۹۲۹             |
|                                     |                                    | سطح معنی داری | ۰,۹۹۶         | ۰,۰۰۱             |

نتایج آزمون ها نشان می دهد شاخص های ترکیب عملکردی و زون بندی کاربریهای عمومی (مراکز دولتی و عمومی) دارای میانگین قابل قبول و زون بندی کاربری ها در این عملکرد دارای اهمیت بوده است.

جدول ۱۴: نتایج آزمون تی تک نمونه‌ای شاخص مراکز عمده فعالیت تشکیل دهنده ساختار شهر (مأخذ: نگارندگان)

| مولفه محتوایی تشکیل دهنده ساختار شهر | مراکز عمده فعالیت (بازار و خیابانهای تجاری) | نتایج آزمون   | دسترسی پذیری    | تنوع فعالیتی         | همه شمولى             | هویت    | جذابیت          |
|--------------------------------------|---------------------------------------------|---------------|-----------------|----------------------|-----------------------|---------|-----------------|
|                                      |                                             | میانگین       | ۳,۳۳            | ۳,۷۰۹                | ۳,۹۹۱                 | ۴,۱۲۸   | ۳,۸۲۴           |
|                                      |                                             | سطح معنی داری | ۰,۰۰۱           | ۰,۰۰۱                | ۰,۰۰۱                 | ۰,۰۰۱   | ۰,۰۰۱           |
|                                      |                                             | نتایج آزمون   | آرامش و کشف فضا | پیاده مداری          | سرزندگی و زندگی شبانه | خوانایی | فعالیت اختیاری  |
|                                      |                                             | میانگین       | ۳,۲۸۹           | ۳,۲۸۶                | ۳,۲۲۶                 | ۴,۲۹۷   | ۳,۳۸۵           |
|                                      |                                             | سطح معنی داری | ۰,۰۰۱           | ۰,۰۰۱                | ۰,۰۰۱                 | ۰,۰۰۱   | ۰,۶۲۹           |
|                                      |                                             | نتایج آزمون   | فعالیت اجباری   | تجهیزات و پوشش گیاهی | ابعاد انسانی          | ایمنی   | راسته های تخصصی |
|                                      |                                             | میانگین       | ۴,۱۰۶           | ۲,۲۰۳                | ۳,۲۸۹                 | ۳,۲۸۶   | ۴,۰۰۸           |
|                                      |                                             | سطح معنی داری | ۰,۰۰۱           | ۰,۹۹۹                | ۰,۰۰۱                 | ۰,۰۰۱   | ۰,۰۰۱           |

نتایج آزمون نشان می دهد شاخص های دسترسی پذیری، تنوع فعالیتی، همه شمولى، هویت، جذابیت، آرامش و کشف فضا، پیاده مداری، سرزندگی و زندگی شبانه، خوانایی، فعالیت اختیاری، فعالیت اجباری، تجهیزات و پوشش گیاهی، ابعاد انسانی و ایمنی و دارا بودن راسته های تخصصی دارای میانگین قابل قبول بوده و تمامی شاخص ها در خصوص مراکز عمده فعالیت دارای اهمیت بوده است.

جدول ۱۵: نتایج آزمون تی تک نمونه‌ای شاخص عناصر طبیعی تشکیل دهنده ساختار شهر (مأخذ: نگارندگان)

| مولفه طبیعی تشکیل دهنده ساختار شهر | عناصر طبیعی | نتایج آزمون   | طراحی رودکنارها | حفاظت از عناصر طبیعی پیرامون شهر | چشم اندازهای مطلوب | نقش حفاظتی عناصر طبیعی پیرامونی |
|------------------------------------|-------------|---------------|-----------------|----------------------------------|--------------------|---------------------------------|
|                                    |             | میانگین       | ۳,۸۸            | ۳,۹۸                             | ۴,۶۹               | ۴,۵۲                            |
|                                    |             | سطح معنی داری | ۰,۰۰۱           | ۰,۰۰۱                            | ۰,۰۰۱              | ۰,۰۰۱                           |

نتایج آزمون نشان می دهد شاخص های طراحی فضای رودکنارها، حفظ عناصر طبیعی پیرامونی شهر (باغات سنتی)، چشم اندازهای مطلوب باغات پیرامونی و نقش حفاظتی این باغات در مقابل مخاطراتی نظیر سیل از منظر ساکنین دارای میانگین قابل قبول بوده و همه شاخص های فوق دارای اهمیت بوده است.

بخش دوم عناصر تشکیل دهنده کالبد شهر را بعد از ساختار شهر، پرکننده های شهری ایفا می نمایند. در این پژوهش منظور از پرکننده ها محلات منطقه هستند که مورد ارزیابی واقع شده اند. جداول ۱۰ تا ... نتایج آزمون ها را در ارتباط با هر یک از شاخصهای مولفه های کالبدی تشکیل دهنده پرکننده بافت شهر نشان می دهد.

جدول ۱۶: نتایج آزمون تی تک نمونه ای شاخص فضای باز تشکیل دهنده های شهر (محلات) (مأخذ: نگارندگان)

| مؤلفه کالبدی تشکیل دهنده<br>پرکننده های شهر | فضای شهری | نتایج آزمون   | تمایل به استفاده از فضای سبز محلی |
|---------------------------------------------|-----------|---------------|-----------------------------------|
|                                             |           | میانگین       | ۳,۱۶                              |
|                                             |           | سطح معنی داری | ۰,۰۰۴                             |

نتایج آزمون نشان می دهد تمایل ساکنین به استفاده از فضای سبز در مقیاس محله دارای میانگین قابل قبول بوده لیکن از نظر سطح معنی داری چندان دارای اهمیت نمی باشد.

جدول ۱۷: نتایج آزمون تی تک نمونه ای شاخص کاربری های تشکیل دهنده های شهر (محلات) (مأخذ: نگارندگان)

| مؤلفه کالبدی تشکیل<br>دهنده پرکننده های<br>شهر | کاربری | نتایج آزمون   | دسترسی مناسب به خدمات محلی | فعالیت تا پاسی از شب و امنیت شبانه |
|------------------------------------------------|--------|---------------|----------------------------|------------------------------------|
|                                                |        | میانگین       | ۳,۱۶                       | ۴,۰۹                               |
|                                                |        | سطح معنی داری | ۰,۰۰۴                      | ۰,۰۰۱                              |

نتایج آزمون نشان می دهد دسترسی مناسب به خدمات محله ای و فعال بودن مرکز محله تا پاسی از شب به منظور تأمین امنیت محله از منظر ساکنین از میانگین مناسبی برخوردار بوده و فعالیت تا پاسی از شب دارای مقادیر معنادار می باشد.

جدول ۱۸: نتایج آزمون تی تک نمونه ای شاخص حمل و نقل تشکیل دهنده های شهر (محلات) (مأخذ: نگارندگان)

| مؤلفه کالبدی<br>تشکیل دهنده<br>پرکننده های شهر | حمل و<br>نقل | نتایج آزمون   | الگوی استفاده از خودروی<br>شخصی | الگوی استفاده از دوچرخه/حمل و<br>نقل عمومی/پیاده مداری | الگوی خیابانهای منطقه<br>(خودرو محور) | تمایل به استفاده از حمل و<br>نقل عمومی یکپارچه |
|------------------------------------------------|--------------|---------------|---------------------------------|--------------------------------------------------------|---------------------------------------|------------------------------------------------|
|                                                |              | میانگین       | ۳,۴۴                            | ۲,۹۳                                                   | ۴                                     | ۴,۰۵                                           |
|                                                |              | سطح معنی داری | ۰,۰۰۱                           | ۰,۸۷                                                   | ۰,۰۰۱                                 | ۰,۰۰۱                                          |

نتایج آزمون نشان می دهد الگوی غالب در میان ساکنین منطقه ۳ استفاده از خودروی شخصی بوده و طراحی منطقه به صورت خودرو محور صورت پذیرفته است.

جدول ۱۹: نتایج آزمون تی تک نمونه‌ای شاخص مکان‌گزینی خانوارها (مأخذ: نگارندگان)

| نتایج آزمون   | ارتباط و نزدیکی با خانواده و آشنایان | سکونت اقشار مختلف اجتماعی-اقتصادی | توانایی اقتصادی خانوارها در آزادی برای انتخاب محل سکونت | دسترسی کوتاه به مرکز شهر |
|---------------|--------------------------------------|-----------------------------------|---------------------------------------------------------|--------------------------|
| میانگین       | ۳,۶۱                                 | ۲,۸۹                              | ۲,۶۷                                                    | ۴                        |
| سطح معنی داری | ۰,۰۰۱                                | ۰,۹۲۹                             | ۰,۹۹۹                                                   | ۰,۰۰۱                    |
| نتایج آزمون   | فاصله از مرکز شهر                    | حس تعلق                           | دسترسی به محل کار                                       |                          |
| میانگین       | ۳,۹۷                                 | ۳,۴۸                              | ۳,۴                                                     |                          |
| سطح معنی داری | ۰,۰۰۱                                | ۰,۰۰۱                             | ۰,۰۰۱                                                   |                          |

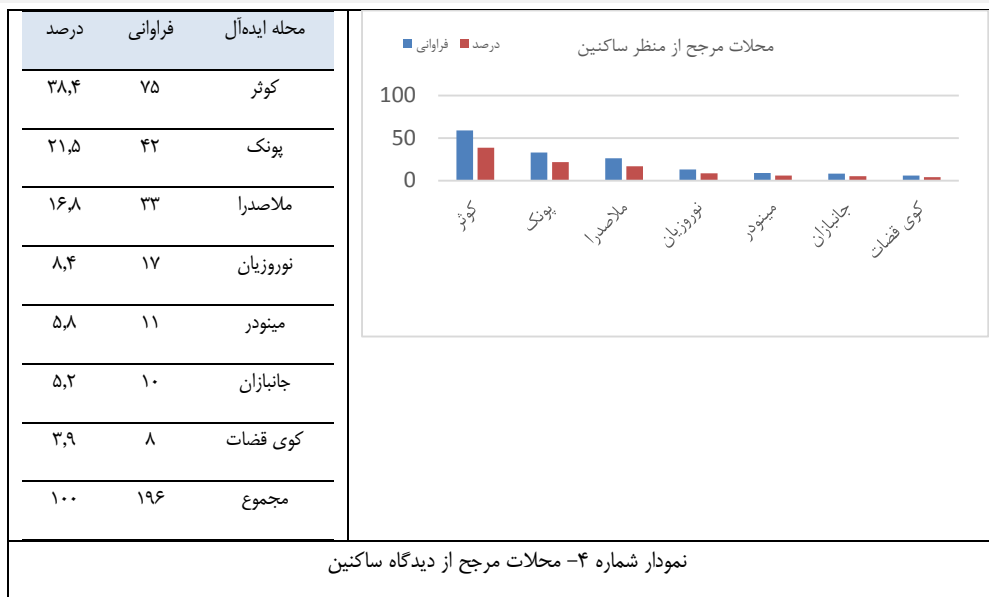
نتایج آزمون نشان می‌دهد در انتخاب محل سکونت خانوارهای منطقه ۳ شاخص‌هایی چون ارتباط و نزدیکی با خانواده و آشنایان، دسترسی کوتاه به مرکز شهر، فاصله از مرکز شهر، حس تعلق و دسترسی به محل کار دارای میانگین قابل قبول بوده و معنا دار می‌باشد درحالیکه سکونت اقشار مختلف اجتماعی-اقتصادی در کنار یکدیگر و توانایی اقتصادی خانوار در آزادی برای انتخاب محل سکونت میانگین مناسبی را دارا نبوده و از سطح معناداری مناسبی برخوردار نمی‌باشد.

جدول ۲۰: نتایج آزمون تی تک نمونه‌ای شاخص تراکم‌های مطلوب از نظر شهروندان (مأخذ: نگارندگان)

| نتایج آزمون   | منزل شخصی (دارای حیاط) | برج مسکونی | آپارتمان |
|---------------|------------------------|------------|----------|
| میانگین       | ۴,۴۳                   | ۱,۷۵       | ۳,۴۶     |
| سطح معنی داری | ۰,۰۰۱                  | ۰,۹۹۹      | ۰,۰۰۱    |

نتایج آزمون نشان می‌دهد الگوی تراکمی منزل شخصی و آپارتمان بیشترین مقدار میانگین را دارا بوده و سطح معناداری آن قابل قبول می‌باشد لیکن الگوی تراکمی برج مسکونی از میانگین و سطح معناداری قابل قبولی برخوردار نمی‌باشد.

**محلات مرجع محدوده جدید شهر قزوین از منظر ساکنین:** با توجه به سوالات طبقه‌بندی شده در بخش محلات شهر، از ساکنین خواسته شد تا محلات مرجع منطقه ۳ شهر قزوین را نام ببرند. نتایج بدست آمده جدول زیر نشان داده شده است. مطابق با نتایج بدست آمده محلات مسکونی کوثر، پونک و ملاصدرا، بعنوان محله ایده آل، به ترتیب بیشترین میزان فراوانی و درصد فراوانی نظرات را به خود اختصاص داده‌اند.



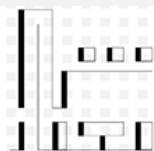
عناصر واجد ارزش و مطلوب از دیدگاه شهروندان:

بازار مورد علاقه: جدول ۱۲ و نمودار ۴ توزیع فراوانی و ابر کلمات نمونه شهروندان را بر حسب بازار مورد علاقه نشان می‌دهد. با توجه به جدول ۴-۳۳ و نمودار ابر کلمات، بیشترین بسامد بازار مورد علاقه مربوط به بازار سنتی قزوین و پس از آن سرای سنتی سعدالسلطنه بوده است.

| جدول ۱۲: توزیع فراوانی نمونه شهروندان بر حسب بازار مورد علاقه |         |       |                  |         |       |
|---------------------------------------------------------------|---------|-------|------------------|---------|-------|
| بازار مورد علاقه                                              | فراوانی | درصد  | بازار مورد علاقه | فراوانی | درصد  |
| بازار سنتی قزوین                                              | ۶۸      | ۳۴,۹۷ | خ خیام شمالی     | ۵       | ۲,۳   |
| سعدالسلطنه                                                    | ۳۷      | ۱۸,۹  | پاساژها          | ۲۳      | ۱۱,۷۶ |
| خ خیام                                                        | ۲۴      | ۱۲,۰۳ | بلوار مدرس       | ۵       | ۲,۳   |
| خ امام خمینی                                                  | ۱۴      | ۶,۹   | خ ملاصدرا        | ۲       | ۱,۰۲  |
| خ فردوسی                                                      | ۶       | ۳,۱۱  | مینودر           | ۲       | ۱,۰۲  |
| خ سپه (شهدا)                                                  | ۹       | ۴,۶   | خ تهران قدیم     | ۲       | ۱,۰۲  |
| مجموع                                                         | ۱۹۶     |       |                  |         | ۱۰۰/۰ |

نمودار ۵: ابر کلمات بازار مورد علاقه از منظر شهروندان

فضای گردهمایی: جدول ۱۳ و نمودار ۵ توزیع فراوانی و ابر کلمات نمونه شهروندان را بر حسب فضای گردهمایی مورد شناخت



نشان می‌دهد. با توجه به جدول و نمودار ابر کلمات، بیشترین بسامد فضای گردهمایی مورد شناخت مربوط به سبزه میدان بوده است.

جدول ۱۳: توزیع فراوانی نمونه شهروندان بر حسب فضای گردهمایی شناخته شده

| فضای گردهمایی مورد شناخت | فراوانی | درصد |
|--------------------------|---------|------|
| سبزه میدان               | ۷۱      | ۳۶,۳ |
| سعدالسلطنه               | ۳۱      | ۱۵,۷ |
| مزار شهدای باراجین       | ۲۲      | ۱۱,۴ |
| مصلی                     | ۱۸      | ۹,۱  |
| پارکهای شهری             | ۱۷      | ۸,۹  |
| میدان میر عماد           | ۱۰      | ۴,۹  |
| پارک الغدير              | ۸       | ۴,۳  |
| خ سپه                    | ۶       | ۳    |
| خ امام خمینی             | ۵       | ۲,۶  |
| مسجد النبی               | ۵       | ۲,۳  |
| مراکز تاریخی             | ۳       | ۱,۵۳ |
| مجموع                    | ۱۹۶     | ۱۰۰  |



نمودار ۶-ابر کلمات فضای شناخته شده گردهمایی از منظر شهروندان

## رتبه بندی شاخص‌ها از نظر شهروندان

برای رتبه بندی هر یک از شاخص‌ها از آزمون فریدمن استفاده شده است. این آزمون پس از معنی‌داری به رتبه بندی هر یک از شاخص‌ها با توجه به میانگین رتبه می‌پردازد. جدول ۱۲ خلاصه نتیجه آزمون فریدمن برای رتبه‌بندی شاخص‌های مولفه انتخاب محل سکونت را نشان می‌دهد. ملاحظه می‌شود که آزمون معنی‌دار است ( $\text{sig} < 0.05$ ) بدین معنی که بین رتبه و اهمیت شاخص‌های مولفه انتخاب محل سکونت از نظر شهروندان تفاوت معنی‌داری وجود دارد. با توجه به میانگین رتبه‌ها نیز ۳ شاخص "دسترسی به خدمات محله ای"، "سکونت در منزل شخصی (دارای حیاط)" و "دسترسی نسبتاً کوتاه به مرکز شهر" در رتبه‌های اول تا سوم از نظر میزان اهمیت و رتبه قرار دارند.

جدول ۲۱: رتبه‌بندی شاخص‌های مولفه انتخاب محل سکونت از نظر شهروندان

| شاخص‌ها                                    | میانگین رتبه | رتبه |
|--------------------------------------------|--------------|------|
| ارتباط و نزدیکی با افراد خانواده و آشنایان | ۵/۷۶         | ۵    |
| دسترسی مناسب به محل کار                    | ۳/۷۸         | ۹    |
| دسترسی به خدمات محله ای                    | ۷/۷۵         | ۱    |

|                             |      |                                                     |
|-----------------------------|------|-----------------------------------------------------|
| ۸                           | ۴/۳۴ | اقتدار مختلف اجتماعی- اقتصادی                       |
| ۱۰                          | ۳/۴۱ | حس تعلق                                             |
| ۷                           | ۴/۳۹ | تحصیل فرزند در مدرسه با سایر طبقات اجتماعی- اقتصادی |
| ۹                           | ۳/۷۸ | توانایی اقتصادی                                     |
| ۲                           | ۷/۶۵ | سکونت در منزل شخصی (دارای حیاط)                     |
| ۱۱                          | ۲/۲۶ | سکونت در برج مسکونی                                 |
| ۶                           | ۵/۶۵ | سکونت در آپارتمان                                   |
| ۳                           | ۶/۸۰ | دسترسی به مرکز شهر                                  |
| ۴                           | ۶/۶۳ | فاصله از مرکز شهر                                   |
| sig=۰/۰۰۱ $\chi^2=۱۳۹۱/۷۱۵$ |      | نتیجه آزمون فریدمن                                  |

جدول ۱۳ خلاصه نتیجه آزمون فریدمن برای رتبه‌بندی شاخص‌های مولفه‌ی دسترسی و حمل و نقل را نشان می‌دهد. با توجه به میانگین رتبه‌ها نیز ۳ شاخص " تمایل به استفاده از حمل و نقل عمومی یکپارچه"، " الگوی خیابانهای منطقه (خودرو محور)" و " الگوی استفاده از خودروی شخصی " در رتبه‌های اول تا سوم از نظر میزان اهمیت و رتبه قرار دارند.

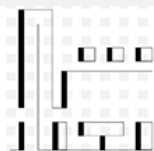
جدول ۲۲: رتبه‌بندی شاخص‌های مولفه دسترسی و حمل و نقل از نظر شهروندان

| رتبه                       | میانگین رتبه | شاخص‌ها                                             |
|----------------------------|--------------|-----------------------------------------------------|
| ۳                          | ۳/۸۶         | الگوی استفاده از خودروی شخصی                        |
| ۴                          | ۳/۳۵         | الگوی استفاده از دوچرخه/حمل و نقل عمومی/پیاده‌مداری |
| ۱                          | ۴/۶۶         | تمایل به استفاده از حمل و نقل عمومی یکپارچه         |
| ۲                          | ۴/۶۰         | الگوی خیابانهای منطقه ۳ (خودرو محور)                |
| sig=۰/۰۰۱ $\chi^2=۷۰۵/۵۶۶$ |              | نتیجه آزمون فریدمن                                  |

جدول ۱۴ خلاصه نتیجه آزمون فریدمن برای رتبه‌بندی شاخص‌های مولفه‌ی ویژگی‌های بازار سنتی، خیابان یا مرکز تجاری را نشان می‌دهد. ملاحظه می‌شود که آزمون معنی‌دار است ( $\text{sig} < ۰/۰۵$ ) بدین معنی که بین رتبه و اهمیت شاخص‌های مولفه‌ی ویژگی‌های بازار سنتی، خیابان یا مرکز تجاری از نظر شهروندان تفاوت معنی‌داری وجود دارد. با توجه به میانگین رتبه‌ها نیز ۳ شاخص " خوانایی"، " هویت اجتماعی" و " فعالیت جمعی" در رتبه‌های اول تا سوم از نظر میزان اهمیت و رتبه قرار دارند.

جدول ۲۳: رتبه‌بندی شاخص‌های مولفه ویژگی‌های بازار سنتی، خیابان یا مرکز تجاری از نظر شهروندان

| رتبه | میانگین رتبه | شاخص‌ها             |
|------|--------------|---------------------|
| ۶    | ۱۰/۲۸        | جذابیت              |
| ۸    | ۹/۲۲         | دسترسی پذیری        |
| ۷    | ۹/۴۹         | تنوع فعالیت         |
| ۱۰   | ۸/۱۴         | آرامش امکان کشف فضا |



|                        |                |             |
|------------------------|----------------|-------------|
| همه شمولی              | ۱۰/۷۶          | ۵           |
| ایمنی                  | ۸/۳۵           | ۹           |
| فعالیت شبانه و سرزندگی | ۷/۸۳           | ۱۲          |
| هویت جمعی              | ۱۲/۱۴          | ۲           |
| خوانایی                | ۱۲/۲۳          | ۱           |
| فعالیت اجباری          | ۱۱/۴۰          | ۳           |
| فعالیت اجتماعی         | ۷/۵۶           | ۱۳          |
| هویت تاریخی            | ۱۰/۸۹          | ۴           |
| تجهیز فضا و پوشش گیاهی | ۴/۳۲           | ۱۴          |
| ابعاد انسانی           | ۸/۰۵           | ۱۱          |
| نتیجه آزمون فریدمن     | $x^2=1248/216$ | $sig=0/001$ |

جدول ۱۵ خلاصه نتیجه آزمون فریدمن برای رتبه‌بندی شاخص‌های مولفه‌ی کاربری‌های شهری را نشان می‌دهد. ملاحظه می‌شود که آزمون معنی‌دار است ( $sig<0/05$ ) بدین معنی که بین رتبه و اهمیت شاخص‌های مولفه‌ی کاربری‌های شهری از نظر شهروندان تفاوت معنی‌داری وجود دارد. با توجه به میانگین رتبه‌ها نیز ۳ شاخص "الگوی مدرسه محلی"، "الگوی زون بندی اداری" و "الگوهای طبیعی و پیرامون شهر" در رتبه‌های اول تا سوم از نظر میزان اهمیت و رتبه قرار دارند.

جدول ۲۴: رتبه‌بندی شاخص‌های مولفه کاربری‌های شهری از نظر شهروندان

| شاخص‌ها                                 | میانگین رتبه | رتبه |
|-----------------------------------------|--------------|------|
| پراکندگی مراکز اداری                    | ۵/۰۹         | ۱۴   |
| زون بندی مراکز اداری                    | ۹/۱۴         | ۲    |
| استفاده از الگوهای طبیعی و پیرامون شهر  | ۹/۰۲         | ۳    |
| استفاده از الگوی بوستانهای شهری و منطقه | ۶/۰۷         | ۱۲   |
| استفاده از الگوهای بوستانهای محلی       | ۵/۵۸         | ۱۳   |
| استفاده از الگوی فضای تفریحی            | ۶/۸۷         | ۹    |
| الگوی مدرسه محلی                        | ۹/۶۳         | ۱    |

|                           |      |                         |
|---------------------------|------|-------------------------|
| ۸                         | ۷/۰۹ | مدرسه با کیفیت          |
| ۵                         | ۸/۸۵ | الگوی درمانی محلی       |
| ۷                         | ۷/۳۹ | الگوی تجاری منطقه و شهر |
| ۶                         | ۸/۳۲ | الگوی تجاری محله        |
| ۴                         | ۸/۹۵ | راسته های تخصصی         |
| Sig=۰/۰۰۱      X2=۷۵۳/۴۴۴ |      | نتیجه آزمون فریدمن      |

جدول ۱۶ خلاصه نتیجه آزمون فریدمن برای رتبه‌بندی شاخص‌های مولفه‌ی عناصر طبیعی را نشان می‌دهد. ملاحظه می‌شود که آزمون معنی‌دار است ( $\text{sig} < ۰/۰۵$ ) بدین معنی که بین رتبه و اهمیت شاخص‌های مولفه‌ی عناصر طبیعی از نظر شهروندان تفاوت معنی‌داری وجود دارد. با توجه به میانگین رتبه‌ها نیز ۳ شاخص "چشم انداز طبیعی"، "نقش حفاظتی عناصر طبیعی پیرامونی و" حفاظت از عناصر طبیعی پیرامون شهر" در رتبه‌های اول تا سوم از نظر میزان اهمیت و رتبه قرار دارند.

جدول ۲۵: رتبه‌بندی شاخص‌های مولفه عناصر طبیعی از نظر شهروندان

| رتبه                      | میانگین رتبه | شاخص‌ها                          |
|---------------------------|--------------|----------------------------------|
| ۱                         | ۳/۶۶         | چشم انداز طبیعی پیرامون          |
| ۲                         | ۳/۴۱         | نقش حفاظتی عناصر طبیعی پیرامونی  |
| ۳                         | ۲/۹۲         | حفاظت از عناصر طبیعی پیرامون شهر |
| ۴                         | ۲/۶۵         | الگوی مسیل                       |
| ۵                         | ۲/۳۶         | الگوی طراحی رودکنار              |
| Sig=۰/۰۰۱      X2=۲۹۸/۶۱۶ |              | نتیجه آزمون فریدمن               |

جدول ۱۷ خلاصه نتیجه آزمون فریدمن برای رتبه‌بندی شاخص‌های مولفه‌ی فضاهای شهری عمده را نشان می‌دهد. ملاحظه می‌شود که آزمون معنی‌دار است ( $\text{sig} < ۰/۰۵$ ) بدین معنی که بین رتبه و اهمیت شاخص‌های مولفه‌ی فضاهای شهری عمده از نظر شهروندان تفاوت معنی‌داری وجود دارد. با توجه به میانگین رتبه‌ها نیز ۳ شاخص "کمبود فضای باز شهری"، "هویت جمعی" و "انعطاف پذیری" در رتبه‌های اول تا سوم از نظر میزان اهمیت و رتبه قرار دارند.

جدول ۲۶: رتبه‌بندی شاخص‌های مولفه فضاهای شهری عمده از نظر شهروندان

| رتبه | میانگین رتبه | شاخص‌ها      |
|------|--------------|--------------|
| ۳    | ۳/۲۲         | انعطاف پذیری |
| ۵    | ۲/۲۶         | تجهیز فضا    |
| ۴    | ۲/۸۹         | دسترسی پذیری |

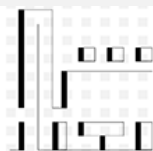
|                           |      |                    |
|---------------------------|------|--------------------|
| ۲                         | ۳/۳۱ | هویت جمعی          |
| ۱                         | ۳/۳۲ | کمبود فضا          |
| sig=۰/۰۰۱      x2=۱۸۲/۱۲۸ |      | نتیجه آزمون فریدمن |

## ۵. جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

زمینه‌گرایی یکی از رویکردهای عمده در دانش شهرسازی بشمار می‌آید که در زمانهای مختلف به آن پرداخته شده است. این رویکرد در دانش شهرسازی به صورت تئوریک باقی مانده و از حیث اجرا بدان پرداخته نشده است. در این مقاله تلاش شد میزان مطلوبیت ساختار و بافت شهر قزوین از دیدگاه شهروندان با رویکرد زمینه‌گرایی مورد بررسی واقع شود. شناسایی این الگوها و مطلوبیت‌ها و کاربری‌های آن در طراحی نواحی جدید شهری، بعنوان روشی برای باز طراحی فضاها و شهرهای جدید با رویکرد زمینه‌گرایی می‌تواند موثر واقع شود.

در پاسخ به پرسش نخست ابتدا با مرور ادبیات مرتبط با زمینه‌گرایی و مفاهیم مشترک به تبیین مدل مفهومی پژوهش پرداخته شد و مولفه‌ها و شاخص‌های موثر شناسایی و از سوی خبرگان دانش مورد ارزیابی و جمع‌بندی واقع شد. نتایج پژوهش در بخش نظری نشان داد که ۶ مولفه اصلی به ترتیب بازارهای سنتی و مراکز تجاری، فضاهای شهری عمده، عناصر طبیعی، دسترسی و حمل و نقل، کاربریهای شهری و ویژگیهای محلات مسکونی از جمله مهمترین عناصر در مطالعات زمینه‌گرایانه بشمار می‌روند. در پاسخ به پرسش دوم نیز ابعاد و مولفه‌های موثر بر زمینه‌گرایی کالبدی و میزان تأثیر هر یک از آنها بر مطلوبیت مورد بررسی قرار گرفت. نتایج نشان می‌دهد میان مولفه‌های زمینه‌گرایی کالبدی و مطلوبیت در ساختار و بافت شهر قزوین روابط معنا داری وجود دارد. در هر یک از عناصر سازنده ساختار شهر و پرکننده‌های بافت شهری این موضوع مورد بررسی واقع شد و میان شاخص‌های اصلی مطلوبیت فضای شهری زمینه‌گرا (۵ شاخص) بیشترین اهمیت مربوط به شاخص‌های "هویت جمعی"، "انعطاف‌پذیری" و "دسترسی‌پذیری"؛ میان شاخص‌های مطلوبیت محل سکونت زمینه‌گرا (۱۲ شاخص) بیشترین اهمیت مربوط به "دسترسی به خدمات محله‌ای"، "سکونت در منزل شخصی" و "دسترسی مناسب به مرکز شهر"؛ میان شاخص‌های اصلی مطلوبیت دسترسی و حمل و نقل زمینه‌گرا (۴ شاخص) تمایل به شکل‌گیری و استفاده از حمل و نقل عمومی یکپارچه، "خیابانهای خودرومحور" و "الگوی طراحی شبکه خودرو محور" بیشترین ضریب اهمیت را دارا می‌باشد. در بین شاخص‌های ۱۳ گانه مطلوبیت کاربری‌های شهری "دسترسی به مدرسه در نزدیکی محله یا محل کار"، "زون بندی کاربریهای عمومی نظیر مجتمع‌های ادارات" و "الگوهای طبیعی و پیرامونی شهر" بیشترین ضریب اهمیت را دارا می‌باشند. میان شاخص‌های ۵ گانه عناصر طبیعی، "چشم‌اندازهای طبیعی"، "نقش حفاظتی عناصر طبیعی پیرامونی از شهر" و "حفاظت از عناصر طبیعی پیرامونی" دارای بیشترین اهمیت می‌باشد.

در فرآیند تحلیل، مولفه‌های ساختاری شهر که دارای مطلوبیت زمینه‌ای هستند مورد بررسی قرار گرفته‌اند. یافته‌ها نشان می‌دهد "فضاهای باز عمده" (بعنوان عنصر ساختاری زمینه‌شهر) در شهر قزوین عمدتاً در مرکز شهر واقع شده‌اند و عملکردهای مختلفی را نظیر فعالیت‌های روزمره، گردهمایی، جشنواره و نمایشگاه در طول روزهای سال به خود می‌گیرند به سبب ماهیت انعطاف‌پذیری، هویت و دسترسی‌پذیری مطلوبیت بالایی را دارا می‌باشند. "بناهای عمومی" بعنوان مولفه کالبدی تشکیل‌دهنده ساختار شهر در دو الگو شناسایی شد که الگوی "زون بندی کاربرها" مطلوبیت بالاتری را دارا می‌باشد. "مراکز عمده فعالیت" شهر قزوین (بعنوان مولفه محتوایی تشکیل‌دهنده ساختار شهر)، مراکزی چون بازار سنتی و خیابانهای تجاری شهر را شامل می‌شود که به لحاظ شاخص‌های "دسترسی‌پذیری"، "تنوع فعالیتی"، "همه‌شمولی"، "هویت"، "جاذبیت بصری"، "آرامش و کشف فضا"، "پیاده‌مداری"، "سرزندگی"، "خوانایی"، "فعالیت‌های اختیاری"، "تجهیزات و پوشش گیاهی"، "ابعاد انسانی" و "ایمنی" دارای مطلوبیت می‌باشد و از سطح معنی داری قابل قبولی برخوردارند. "عناصر طبیعی" بعنوان مولفه "طبیعی تشکیل‌دهنده ساختار شهر" که شامل رودخانه‌ها و مسیله‌ها، عناصر طبیعی پیرامونی و چشم‌اندازهای طبیعی می‌گردد به لحاظ شاخص‌هایی چون "الگوهای طراحی"، "حفاظت از این عناصر"، "چشم‌اندازهای مطلوب" و "نقش حفاظتی آنها از شهر" می‌باشد دارای مطلوبیت بوده و از سطح معنی داری قابل قبولی برخوردارند. بر این اساس فضاهایی چون سبزه میدان، بازار سنتی شهر، سرای تاریخی



سعدالسلطنه، خیابانهای تاریخی شهر نظیر خیابان سپه و امام خمینی، خیابانهای تجاری شهر نظیر خیابان خیام، فردوسی، بلوار مدرس و خیابان ملاصدرا بعنوان فضاها و مراکز عمده فعالیت مطلوب در سطح شهر شناسایی شده است.

در تحلیل مولفه بافت شهری (پرکننده های شهر)، مطلوبیت ها مورد بررسی واقع شدند. یافته ها نشان می دهد در ارتباط با مولفه کالبدی پرکننده بافت شهری، "فضای شهری" در مقیاس محله غالباً فضای بوستانهای محله ای را شامل می شود و با توجه به میانگین اهمیت آن، وجود این فضاها در محلات لازم بوده لیکن سطح معنی داری قابل قبولی را دارا نمی باشد. همچنین در ارتباط با شاخص "تراکم" الگوی "تراکم کم" و پس از آن "تراکم متوسط" بیشترین مطلوبیت را دارا بوده و از سطح معنی داری برخوردارند لیکن الگوی "تراکم زیاد" کمترین مطلوبیت را دارا بوده و به لحاظ سطح معنی داری قابل قبول نمی باشد. در ارتباط با مولفه محتوایی پرکننده های بافت شهری و شاخصهای مرتبط با "کاربری و عملکرد" می توان گفت با توجه به مقیاس محلی عملکردها دو شاخص "دسترسی مناسب به خدمات محلی" و "فعالیت تا پاسی از شب" از جمله شاخص هایی است که در محلات منطقه ۳ شهر از مطلوبیت کافی برخوردار بوده و دارای سطح معنی داری قابل قبول می باشد. در ارتباط با مولفه محتوایی "مکان گزینی خانوارهای شهری ساکن" شاخصهایی چون "ارتباط و نزدیکی با خانواده و آشنایان"، "دسترسی به مرکز شهر"، "فاصله نسبی از مرکز شهر"، "حس تعلق" و "دسترسی به محل کار" در محلات منطقه ۳ شهر از مطلوبیت کافی برخوردار بوده و دارای سطح معنی داری قابل قبول می باشد. از سوی دیگر شاخص های اقتصادی نظیر "سکونت اقشار مختلف اجتماعی-اقتصادی" و "توانایی اقتصادی خانوارها در آزادی برای انتخاب محل سکونت" از اهمیت نسبی برخوردار است لیکن سطح معناداری آن قابل قبول نمی باشد. یافته های پژوهش در ارتباط با شاخص های حمل و نقلی نشان می دهد "الگوی استفاده از خودروی شخصی" در بافت منطقه ۳ شهر قزوین غالب بوده و در عین حال شاخص هایی چون "تمایل به استفاده از حمل و نقل یکپارچه عمومی" از مطلوبیت زیادی برخوردار بوده و "الگوی استفاده از دوچرخه/پیاده و حمل و نقل عمومی" اگر چه نسبتاً مورد استفاده واقع می شود لیکن از سطح معنی داری قابل قبولی برخوردار نمی باشد.

در جمعبندی موارد فوق، یافته های پژوهش نشان می دهد شهر قزوین بعنوان شهری تاریخی بسیاری از شاخص های زمینه مطلوب را برای مبنا قرار گرفتن طراحی نواحی جدید شهری در منطقه قزوین را دارا می باشد. نتایج نشان می دهد اگرچه بسیاری از ساکنین بافت جدید منطقه ۳ شهر قزوین نسبت به محل سکونت خود حس تعلق دارند، لیکن بافت تاریخی و عناصر هویت بخش آن نظیر بازار قدیمی و فضاهای شهری از منظر آنها عناصری با هویت و جذاب هستند و بعنوان فضاهای شهری غنی شناخته می شوند که شهروندان ساکن در منطقه ۳ شهر با وجود مسافت نسبی از مرکز تاریخی شهر، همچنان از این فضاها استفاده نموده و حتی تمایل به سکونت در نزدیکی آن را دارا می باشند. افزون بر مزیت های شهر قزوین به لحاظ ساختار و بافت کالبدی، این شهر از نظر حمل و نقل عمومی و یکپارچه و پیاده مداری خصوصاً در محدوده بافت تاریخی با کاستی هایی مواجه است و از سوی دیگر ساکنین تمایل چندانی به سکونت در کنار سایر اقشار اجتماعی و اقتصادی از خود نشان نمی دهند. در تکمیل مطالعات فوق، پیشنهاد می گردد مطالعات کالبدی تکمیلی نیز صورت پذیرد تا الگوهای مطلوب فضاهای شهری، بازارها، استخوانبندی شهر، محلات مسکونی و .... برای ارائه طرح های آتی شناسایی و استخراج گردد.

منابع و مأخذ:

- الکساندر، کریستوفر؛ ۱۳۹۰؛ سرشت نظم (جلد اول، ساختارهای زنده در معماری)؛ ترجمه رضا سیروس صبری و علی اکبری؛ پرهام نقش
- افشاری، محسن، پوردیپیمی، شهرام؛ ۱۳۹۵، مقیاس های روش زندگی در مسکن، مسکن محیط و روستان، دوره ۳۵، شماره ۱۵۴، ۳-۱۶
- پاکزاد، جهانشاه، ۱۳۸۸، سیر اندیشه ها در شهرسازی. جلد سوم. نشر شرکت عمران شهرهای جدید، تهران.
- پورمحمدی، محمدرضا؛ صدر موسوی، میرستار؛ جمالی، سیروس، ۱۳۹۰، واکاوی مکتب های مورفولوژی شهری، مطالعات جغرافیایی مناطق خشک، شماره ۵، دوره ۲، ۱-۱۶
- تولایی، نوین؛ زمینه گرایی در شهرسازی، ۱۳۸۰، هنرهای زیبا، شماره ۱۰، ۳۴-۴۳
- غلامی، یونس؛ حیاتی، سلمان؛ قنبری، محمد، ۱۳۹۴؛ شناخت الگوی رشد کالبدی-فضایی کلان شهرهای ایران (مطالعه موردی: کلان شهرهای مشهد، شیراز، اصفهان، تبریز، مطالعات نواحی شهری دانشگاه شهید باهنر کرمان، شماره ۳، دوره ۲، ۷۹-۱۰۰
- بحرینی و ولدخانی، ۱۳۹۷، دهکده شهری، انتشارات دانشگاه تهران

- بحرینی، سید حسین و دیگران، ۱۳۸۸، طراحی شهری معاصر. انتشارات دانشگاه تهران، تهران.
- بحرینی، سیدحسین؛ حسینی وحدت، عبدالکریم؛ شکل گیری و شکل دهی شهر در دو پارادایم مدرنیسم و پست مدرنیسم، ۱۳۹۳، محیط شناسی، دوره ۴۰، شماره ۳، ۵۵۸-۵۴۱
- بحرینی، سید حسین، تجدد، فراجدد و پس از آن در شهرسازی، ۱۳۷۸ انتشارات دانشگاه تهران
- بذرافکن، کاوه؛ اکبری، علی اکبر، ۱۳۹۶، تبیین روش های طراحی زمینه گرای و منطقه گرایی در معماری ایران (نمونه مطالعاتی: اثرهایی شاخص با دوره های زمانی متفاوت از معماری شهر تهران، مدیریت شهری، شماره ۴۸، ۳۲۷-۳۴۲
- دانشپور، عبدالهادی و روستا، مریم، خوانش ساختار شهر؛ گامی به سوی شکل شناسی شهری، نشریه علمی-پژوهشی انجمن علمی معماری و شهرسازی ایران شماره ۴- بهار و تابستان ۱۳۹۱-۴۵-۵۴
- شکیبایی بیدرونی، فاطمه؛ طیبیان، منوچهر؛ سنجش تطبیقی اثرات فرم کالبدی محله های شهری بر سرمایه اجتماعی میان ساکنین، مورد مطالعاتی: شهر قزوین، ۱۳۹۷، معماری و شهرسازی آرمانشهر، شماره ۲۳، ۲۹۵-۳۰۶
- قلعه نویی، محمود، زمستان ۱۴۰۱، خاستگاه های اندیشه و روش زمینه گرایی در شهرسازی، معماری و حوزه های تأثیرگذار بر این دو از دهه ۱۹۶۰ تا کنون، فصلنامه پژوهش های مکانی فضایی، سال هفتم، شماره ۱، پیاپی ۲۵، ۵-۲۸
- گروتو، یورگ کورت، ت جهانشاه پاکزاد و عبدالرضا همایون، زیبایی شناسی در معماری، ۱۳۹۳، دانشگاه شهید بهشتی، تهران
- گنجی، محمد، حیدریان، امین، ۱۳۹۳، سرمایه فرهنگی و اقتصاد فرهنگ (با تأکید بر نظریه های پی یوریدیو و دیوید تراسی)، راهبرد، دوره ۲۳-شماره ۷۲، ۷۷-۹۸
- گیدئون، زیگفرد، ۱۳۸۳، فضا، زمان، معماری، ترجمه منوچهر مزینی. انتشارات علمی و فرهنگی. تهران.
- لینچ، کوین، تئوری شکل شهر، ترجمه سید حسین بحرینی، ۱۳۸۱، دانشگاه تهران
- نقوی، پویان؛ حامد مظاهریان؛ ۱۳۹۸، تحلیل نظریات معاصر در مواجهه با زمینه در طراحی معماری؛ باغ نظر، شماره ۱۶؛ دوره ۷۴: ۶۹-۸۰
- جمالی، سیروس، ۱۳۹۴ بررسی جایگاه گونه-ریخت شناسی شهری در طرح های توسعه کالبدی ایران (مطالعه موردی کلان شهر تبریز)، مطالعات جغرافیایی مناطق خشک، سال پنجم، شماره ۱۹، ۸۵-۱۰۲
- حبیب، فرح ۱۳۸۵، کند و کاوی در معنای شکل شهر، نشریه هنرهای زیبا، شماره ۲
- حبیب، فرح، ۱۳۸۷، جزوه درس شکل شناسی شهری. دانشگاه آزاد اسلامی. واحد علوم و تحقیقات. دانشکده هنر و معماری، تهران.
- رفیعیان، مجتبی؛ شاهی زارعی، ساحل؛ کرمی، اسلام؛ ۱۳۹۸؛ تجزیه وتحلیل کیفیت سکونت در مجتمع های مسکونی شهری از طریق مؤلفه های زمینه گرایی نمونه موردی: شهر اردبیل؛ محیط شناسی، شماره ۳، دوره ۵۴، ۴۳۱-۴۵۱
- عزیزی، محمدمهدی، ۱۳۸۸، تراکم در شهرسازی، انتشارات دانشگاه تهران
- محملی ابیانه، حمیدرضا، ۱۳۹۰، مقایسه تطبیقی مطالعات موفولوژی شهری به منظور تکمیل آن بر اساس دستگاه تحلیلی مکتب اقتصاد سیاسی فضا، آرمان شهر، شماره ۷، ۱۵۹-۱۷۱
- موید حکما، ناهید، ۱۳۹۲، درآمدی بر رویکرد روش شناختی پیر یوریدیو به مفهوم سرمایه فرهنگی، جامعه پژوهی فرهنگی دوره ۴-شماره ۱-۱۷۸-۱۵۵
- هاشم پور، پریسا؛ نژاد ابراهیم، احد؛ یزدانی، ثنا؛ ۱۳۹۷؛ کاربست رویکرد زمینه گرایی در بازآفرینی بافت های تاریخی (نمونه موردی: میدان صاحب الامر تبریز) شماره ۱، دوره ۶، ۱۰۵-۱۲۶
- Ahmadi, Ghader, Mohamad Mehdi, Zebardast, Esfandiyar, 1389, A comparative study of sprawl in three cities in central Iran Case study: Ardebil, Sanandaj Kashan, Journal of Architecture and Urbanism, P 25-43
- Ashihara, Y. (1983). The aesthetic townscape.
- Bourdieu, P. (1984). Distinction (R. Nice Trans.). London: Routledge.
- Brdulak, Anna, Brdulak, Halina, (2017), Happy City - How to Plan and Create the Best Livable Area for the People, Springer International Publishing (305)

- Chen, Yan, (2019), ANALYZING DETERMINANTS OF URBAN VIBRANCY – A BIG DATA APPROACH ON CONNECTING BUILT ENVIRONMENT, SOCIAL ACTIVITY, AND IMAGES OF PLACES, Chapel Hill, Published by ProQuest LLC 2020
- Clifton, Kelly et al (2008): “Quantitative analysis of urban form: A multidisciplinary review” in Journal of Urbanism. Vol.1, No.1, March 2008, pp 17-45.
- Cutsinger, J., Galster, G., Wolman, H., Hanson, R., & Towns, D. (2005). Verifying the multidimensional nature of metropolitan land use: Advancing the understanding and measurement of sprawl. Journal of Urban Affairs, 27(3), 235–259. <http://doi.org/10.1111/j.0735-2166.2005.00235.x>
- EVANS, ROGER & ASSOCIATES (2007): DELIVERING QUALITY PLACES URBAN DESIGN COMPENDIUM 2, ENGLISH PARTNERSHIPS THE HOUSING CORPORATIO, [www.urbandesigncompendium.co.uk](http://www.urbandesigncompendium.co.uk)
- Jeddi Farzaneh, Daryani , Mokhberkia, Explanation of Urban Development Patterns in Order to Sustainable Development, (2017), Urban Manage Energy Sustainability, vol 13, issu 1, p 15-23
- Lamont, M. & Lareau, A. (1988). Cultural Capital: Allusions, Gaps and Glissandos in Recent Theoretical Developments. Journal of Sociological Theory, 6(2), 153-168.
- Mouratidis, Kostas, (2017), Built environment and social Well-being: How dose urban form affected social life and personal relationships, jornal of Cities, Department of urban and regional Planning, Norweging University of Life Sciences, Az Norway
- Moudon, A.V. (1997). Urban Morphology as an Emerging Interdisciplinary Field. Urban morphology (pp. 3-10).UK: Northumbria University.
- Ozten, U. & Anay, H. (2017). Contextualism as a basis for an environmental architectural design in a globalized world. International Journal of Advances in Mechanical Civil Engineering, 4(4), 91-95.
- Pour Mohamadi , Mohamad reza, Jam kasra, Mohamad, 1390, Analysis of the pattern of uneven development Tabriz, Research in Human Geography, No 100, P 31-55
- Tole, L., (2008). Changes in the built vs. non-built environment in a rapidly urbanizing region: A case study of the Greater Toronto Area, Computers. Environment and Urban Systems. No.32, pp: 355-364.
- Wang, J. 2012. Searching for the Urban Development pattern, <http://www.uncp.edu/mpa/papers/profesional papers>.

### Abstract:

Physical contextualism in urban planning is an approach to coordinating urban designs with the physical, historical, and social characteristics of a place that has been considered in response to the challenges of modern urban planning, such as lack of identity and spatial incoherence. However, this concept in Iran often remains at a theoretical level and its practical application has been less investigated. This study aimed to evaluate the desirability of the structure and texture of Qazvin city from the perspective of residents of Region 3, focusing on physical contextualism indicators. The research method was descriptive-analytical and the data collection tool was a questionnaire. The statistical population included 118,582 residents of Region 3 of Qazvin (based on the 1395 census) and the sample size of 196 people was determined using the Cochran formula (with an error of 0.07). The data were analyzed with one-sample t-test and Friedman test in SPSS.27 software. The results of the theoretical part of the research, which was completed with a questionnaire of expert experts, showed that the six main components, namely traditional markets and commercial centers, major urban spaces, natural elements, access and transportation, urban uses, and characteristics of residential neighborhoods, are considered to be among the most important elements in contextual studies. The indicators of each of these elements have been measured from the perspective of citizens. The analytical results show that there are significant relationships between the components of physical contextualization and the desirability in the structure and texture of the city of Qazvin. Among them, it can be said that among the main indicators of the desirability of contextualized urban space (5 indicators) in the city of Qazvin, the most important are the indicators of "collective identity" (average score 4.2 out of 5), "flexibility" (4) and "accessibility" (3.8).